

## اول ماه مه روز اتحاد بین المللی کارگران خجسته باد

## ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۹۱ و چشم انداز آن در سال ۹۲

جنبش کارگری ایران در سال ۹۱ چه به لحاظ تشدید محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی و چه به ویژه از لحاظ شرایط کار و وضعیت و خامت‌بار اقتصادی و معیشتی تحمیلی بر کارگران، با شرایط دشوارتری نسبت به سال‌های قبل‌تر از آن روبرو بود. از این‌رو ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۹۱ مقدم بر هر چیز مستلزم آن است که این شرایط اقتصادی و معیشتی و دشواری‌های ناشی از آن را مورد بررسی قرار دهیم، آنگاه برپایه استنتاج از آن، یک ارزیابی از جنبش کارگری در سالی که گذشت بدست دهیم و تا آنجا که ممکن است چشم‌انداز آن را در سال ۹۲ نیز ترسیم کنیم.

تا آنجا که به شرایط اقتصادی و معیشتی کارگران برمی‌گردد، بورش‌های پی در پی و فزاینده طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه علیه طبقه کارگر و سطح معیشت کارگری از همان آغاز سال نود و یک، کارگران را در معرض شدیدترین فشارهای اقتصادی و تنگناهای معیشتی قرار داد. امواج بلند گرانی که از اواخر سال ۹۰ آغار گشته بود، با شدت و حدت بیشتری در

در صفحه ۲



در صفحه ۳

## قرار نیست معجزه‌ای رخ دهد

## گام‌های بزرگ طبقه کارگر جهانی در مبارزه طبقاتی

موجود را از هم اکنون مورد تهدید قرار داده، چنان آشکار و انکارناپذیر است که سخنگویان و نظریه‌پردازان نظم سرمایه‌داری نسبت به عواقب وضع موجود هشدار می‌دهند. مجله آمریکایی تايم در ۲۵ مارس مقاله‌ای تحت عنوان "انتقام مارکس: چگونه مبارزه طبقاتی به جهان شکل می‌دهد" انتشار داد و مایکل شومان نویسنده این مقاله از جمله نوشت: "تصور بر این بود که کارل مارکس مرده و مدفون است. با فروپاشی اتحاد شوروی و جهش بزرگ چین به سوی سرمایه‌داری، کمونیسم در پس‌زمینه

مبارزه طبقاتی پروتاریا در مقیاس جهانی، پیوسته دامنه و ژرفای بیشتری به خود می‌گیرد. در حالی که بحران اقتصادی جهانی همچنان ادامه دارد و بورژوازی بین‌المللی می‌کوشد بار این بحران را هر چه بیشتر بر گردهی کارگران قرار دهد، طبقه کارگر در ابعادی وسیع‌تر و اشکالی تعرضی‌تر از مبارزه به مقابله با بورژوازی و سیاست‌های آن برخاسته است.

تمام تلاش بورژوازی برای غلبه بر بحران و مهار مبارزه طبقاتی تاکنون به شکست انجامیده است. این واقعیت که مبارزه طبقاتی تمام نظم

با آغاز سال جدید، اقتصاد بحران زدهی کشور بار دیگر با موج جدیدی از گرانی کالاهای ضروری مردم زنگ‌ها را به صدا درآورد و این سوال را در برابر مردم نگران از گرانی، تورم و بیکاری قرار داد که دیگر چه کالایی را باید از سبد خرید و هزینه‌ها حذف کرد؟ و آیا مگر چیزی برای برداشتن از این سبد مانده است؟ تا دیروز مساله این بود که گوشت از سفره کارگران و زحمتکشان پرکشیده و رفته است اما با این وضعیت گویا قرار است سیب‌زمینی و پیاز و روغن نیز که از جمله ضروری‌ترین نیازهای آن‌ها برای تهیه سادمتزین غذاها هستند از این سفره به پرواز درآیند. پیازی که در فروردین ماه سال گذشته کیلویی ۶۲۱ تومان بود (آمار بانک مرکزی از خرده فروشی در فروردین ۹۱)، در مهرماه به ۱۰۱۰ تومان و در اوج گرانی پیاز در اواخر بهمن که خود رکوردی جدید بود به ۱۸۰۰ تومان در مغازه‌های خرده‌فروشی رسید، اما به‌یکباره در فروردین امسال تا ۳۶۰۰ تومان نیز بالا رفتو رکوردی غیرقابل تصور از خود به‌جای گذاشت. حتا با رسیدن پیاز بهاری محصول جنوب به بازار، هنوز این کالا در بسیاری از شهرها کیلویی ۲۵۰۰ تومان به دست مردم می‌رسد. سیب‌زمینی نیز که در فروردین سال گذشته ۶۴۲ تومان و در مهرماه ۷۸۰ تومان بود، در فروردین ماه امسال به ۱۸۰۰ تا ۲۵۰۰ تومان رسید. از گوجه‌فرنگی و میوه‌هایی

در صفحه ۸

در صفحه ۶

### یادداشت‌های سیاسی

## حکم اعدام پنج زندانی سیاسی عرب خوزستان و پیوند آن با مسئله ملی

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۰

## آلمانی ۲ و حکایت همچنان باقی‌ست...

در صفحه ۱۱

## خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

## ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۹۱ و چشم انداز آن در سال ۹۲

سال نود و یک ادامه یافت. افزایش جهشی و افسار گسیخته قیمت‌ها از جمله مواد خوراکی که منابع حکومتی میانگین آن را در فروردین ماه ۳۷ درصد اعلام کردند، در برابر افزایش ناچیز و ۱۸ درصدی حداقل دستمزدها، قدرت خرید کارگران را در همان آغاز سال بیش از ۵۰ درصد کاهش داد. اما این هنوز آغاز سال و آغاز ماجرا بود. روند افزایش روزانه قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران که در چند نوبت با افزایش جهشی نیز همراه بود، تا پایان سال ادامه یافت. طبقه سرمایه‌دار در تهاجم بیرحمانه به سطح معیشت کارگران حتا نان خالی را نیز از سفره کارگران ربود و خانوارهای کارگری را به اعماق فقر و فلاکت و تنگدستی غیر قابل تصویری سوق داد. تورم اصلی‌ترین مواد خوراکی به ۶۲ درصد رسید. در حالیکه به اعتراف حتا منابع حکومتی یک کارگر باید لااقل یک میلیون و هشتصد هزار تومان دستمزد می‌گرفت تا بتواند نیازهای خود و خانواده‌اش را آن‌هم در اندازه حداقل‌ها و در مرز خط فقر تأمین کند، اما دستمزدهای کارگری زیر ۴۰۰ هزار تومان تعیین شده و از یک چهارم خط فقر هم کمتر بود به نحوی که کارگر با آن نمی‌توانست حتا فقط نیازهای خوراکی خود و خانواده‌اش را تأمین کند. تورم افسار گسیخته ۶۰ درصدی، کاهش مداوم ارزش ریال و سقوط متجاوز از ۳۰۰ درصدی آن تا پایان سال، نه فقط قدرت خرید و در نتیجه سطح معیشت کارگران و خانوارهای کارگری را فوق‌العاده کاهش داد و آنان را به فقر و فلاکت دهشتناکی سوق داد، بلکه اصولاً روند ادامه حیات کارگران و خانواده‌های کارگری را در معرض خطر جدی قرار داد. تهاجم سرمایه‌دار علیه طبقه کارگر و شرایط بسیار سخت اقتصادی و معیشتی که طبقه سرمایه‌دار بر کارگران ایران تحمیل نمود، تأمین معاش و چگونگی تأمین آن را به مشغله دائمی و روزانه کارگر و به یکی از مشغله‌های اصلی کارگران تبدیل کرد و تأثیرات منفی و بازدارنده‌ای بر مبارزات کارگری برجای گذاشت.

البته طبقه کارگر ایران در سال ۹۱ فقط از لحاظ شرایط معیشتی و از ناحیه کاهش قدرت خرید تحت فشار نبود. جنبش کارگری ایران در حالی وارد سال نود و یک شد که طبقه سرمایه‌دار موج سهمگین دیگری از اخراج و بیکارسازی را بر طبقه کارگر تحمیل کرد. انبوهی از کارگران که پس از پایان تعطیلات نوروزی به کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی مراجعه نمودند با درهای بسته مواجه شدند. سال قبل‌تر (سال ۹۰) صد هزار کارگر اخراج شدند. موج جدید اخراج و بیکارسازی که درست پس از پایان تعطیلات نوروزی آغاز شد، بی‌وقفه تا پایان سال ۹۱ ادامه یافت. گرچه آمار دقیقی در مورد تعداد کارگران اخراجی انتشار نیافت اما در همان ماه آغازین سال، سایت حکومتی این‌لا اعلام کرد به علت وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی ۳۰

درصد کارگران آن اخراج شده‌اند. با توجه به حدت و گستردگی اخراج‌ها و تعطیلی و توقف پی در پی کارخانه‌ها، شمار کارگران اخراجی احتمالاً از صد هزار نفر هم گذشت و بدین ترتیب صف هشت میلیونی بیکاران با ارتش ذخیره کار را بیش از پیش سنگین‌تر و متراکم‌تر ساخت. در سال ۹۱ که سال حمایت از کار و تولید نام گذاری شده بود، تولید به قهقرا رفت و با رکود شدیدتری مواجه گردید. ناگفته روشن است که اخراج‌ها و بیکارسازی گسترده کارگران نیز تأثیرات مخربی بر مبارزات کارگران بر جای گذاشت. چرا که تحمیل بیکاری بر میلیون‌ها کارگر و محکوم ساختن بخشی از طبقه کارگر به بیکاری اجباری، فشار کار و استثمار کارگران شاغل را تشدید می‌کند. در حالی‌که فشار فزاینده‌ای که ارتش ذخیره کار به وسیله رقابت خویش به بخش شاغل وارد می‌سازد و آن را به کار طاقت‌فرسا و قبول تحمیلات و شرایط کارفرما وادار می‌کند، کار بی‌اندازه بخش شاغل طبقه کارگر نیز، صفوف ذخیره را متورم می‌سازد. محکوم ساختن بخشی از طبقه کارگر به بیکاری اجباری با توسل به کار طاقت‌فرسای بخش دیگر و برعکس، این، اگر چه قاعده عمومی نظام سرمایه‌داری است، اما جنبش کارگری ایران در سال ۹۱ بیش از سال‌های گذشته از آن در رنج بود. طبقه سرمایه‌دار در سال ۹۱ شرایط بازهم دشوارتری را که تنها با برده‌داری قابل مقایسه است بر کارگران تحمیل کرد. از عمومیت بخشیدن به قراردادهای سفید امضا و موقت و پیمانی گرفته تا ساعات کار اضافی، کار در روزهای تعطیل، دستمزد ناچیز و عدم پرداخت به موقع آن و تا حذف پاره‌ای از مزایای کارگری مانند پاداش بهروری و سایر مزایای شغلی و در مواردی حتا قطع ناهار کارگران، همه به زیان کارگران رقم خورد.

تعرضات طبقه سرمایه‌دار و دولت پاسدار منافع این طبقه علیه طبقه کارگر و حقوق کارگران ایران در سال نود و یک به این‌ها محدود نشد. دولت ارتجاعی و ضد کارگری حاکم، مذبحخانه تلاش نمود از طریق تغییر قوانین و با تصویب قوانین جدید، استثمار و بی‌حقوقی کارگران را بیش از پیش تشدید نماید که در این مورد می‌توان به دو نمونه برجسته یعنی تلاش رژیم برای تغییر قانون تأمین اجتماعی و قانون کار اشاره نمود. سعید مرتضوی که از طرف احمدی‌نژاد به ریاست سازمان تأمین اجتماعی منصوب گردید، درصدد برآمد قانون تأمین اجتماعی را تغییر دهد و پیش‌نویس به اصطلاح اصلاحی آن را نیز تهیه کرد. اساس تغییرات مورد نظر دولت در راستای تحقق کامل اهداف و سیاست‌های نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و مبتنی بر کاهش حجم و مسئولیت‌های دولت است که از جمله می‌توان به خصوصی‌سازی درمان و بهداشت و تأمین اجتماعی، محدود ساختن امکانات اجتماعی و درمانی، و محروم سازی

کارگران از حداقل‌های تأمین اجتماعی و درمانی موجود اشاره کرد. مورد دیگر، قانون کار است که از طرف دولت تحت عنوان لایحه اصلاح قانون کار در ۱۴/۹/۹۱ برای تصویب به مجلس ارتجاع اسلامی تحویل داده شد. تغییرات مورد نظر دولت که در این لایحه به آن اشاره شده است، شامل بندهای زیادی از قانون کار فعلی می‌شود که همگی در جهت تشدید استثمار و بی‌حقوقی کارگران و افزایش بیش از پیش اختیارات کارفرما در تعیین و تحمیل شرایط کار و اخراج کارگران است. گرچه مجلس ارتجاع از بیم اعتراضات کارگری و گسترش آن به خیابان‌ها، حتا وارد بحث در مورد این پیش‌نویس‌ها نشده است، اما نفس تهیه و تحویل آن به مجلس، به روشنی از تلاش‌های مذبحخانه طبقه سرمایه‌دار و دولت آن برای تحمیل شرایطی بدتر از آنچه که اکنون هست را بر طبقه کارگر ایران برملا می‌سازد.

طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، هم‌پای این تعرضات و تهاجم گسترده به سطح معیشت و حقوق کارگران، اقدامات سرکوب‌گرانه و فشارهای سیاسی-امنیتی خود علیه کارگران آگاه و پیشرو و علیه تشکل‌ها و جمع‌های کارگری را نیز افزایش داد. بازداشت و اخراج رهبران و فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، پی‌گرد و ارباب کارگران پیشرو و فعالان کارگری، تشدید تهدیدات و شکنجه‌های جسمی و روحی علیه کارگران زندانی، پرونده‌سازی علیه کارگران زندانی و صدور احکام سنگین علیه آن‌ها، بورش و حبسیانه به مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و بازداشت و ضرب و شتم حدود ۶۰ نفر از فعالان این کمیته، تحت فشار قرار دادن کارگران پیشرو و فعالان کارگری و سندیکایی به منظور وادار ساختن آن‌ها به اعترافات ساختگی و دروغین و یا ترک صحنه مبارزه و فعالیت کارگری و سندیکایی، احضار و بازداشت مکرر فعالان کارگری در تهران، سنجند و برخی شهرهای دیگر، بدرقتاری با کارگران زندانی و نگهداری آنان در شرایطی بسیار نامناسب و غیر استاندارد و غیر بهداشتی به نحوی که اکثر کارگران زندانی به بیماری‌های متعددی مبتلا شده‌اند و در عین حال ممانعت از معالجه کارگران زندانی که نیاز به مرخصی و مراقبت‌های پزشکی و درمانی در بیرون از زندان دارند، ایجاد انواع مزاحمت‌ها و اعمال تهدید و فشار علیه خانواده فعالان کارگری و سندیکایی و حتا بودن و ضرب و شتم آن‌ها، تلاش بی‌وقفه رژیم و عوامل آن برای نفوذ در تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری به منظور ایجاد نفاق و چند دستگی در میان کارگران و از هم پاشاندن کامل این تشکل‌ها، تنها شمه‌ای از اقدامات ضد کارگری و فشارهای



## اول ماه مه روز اتحاد بین المللی کارگران خجسته باد

### رفقای کارگر!

اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران فرا رسیده است. روزی که کارگران جهان دست در دست هم، وحدت طبقاتی و یگانگی مبارزاتی شان را علیه استثمار و تمامی نابرابری ها، اجبارها، بیداد و ستم به نمایش می گذارند. روزی که کارگران جهان، به عنوان یک طبقه واحد با به اهتزاز در آوردن پرچم های سرخ مبارزاتی، آگاهی، بیداری و اتحاد بین المللی شان را در مقابل طبقه سرمایه دار جهانی جشن می گیرند.

اول ماه مه، روز نبرد مشترک و همبستگی طبقاتی کارگران جهان علیه استثمارگران و روز پیکار مشترک و یگانگی کارگران علیه خصم طبقاتی است. در این نبرد عظیم، دو جهان در مقابل هم صف آرای می کنند. یکی جهان کار و دیگری جهان سرمایه. یکی نیروی رهایی و آزادی و دیگری نیروی استثمار، ستم و بردگی.

در کشاکش هر روزه این نبرد جهانی است، که کارگران دریافته اند در مقابل دشمن واحد، در مقابل طبقه سرمایه دار جهانی، خود نیز باید متحد و یکپارچه باشند. خود نیز باید متشکل شوند، متحدانه به مبارزه برخیزند و به عنوان یک طبقه واحد، اتحاد و همبستگی ارتش بزرگ نیروی کار را علیه جهان سرمایه، جهان ستم و بردگی سازماندهی کنند.

طبقه کارگر، بر اساس خصلت طبقاتی و بنا به رسالت تاریخی خود، برای ایجاد یک سیستم اجتماعی سوسیالیستی مبارزه می کند. سیستمی که در آن ثروت تولید شده توسط نیروی کار مشترک، صرف آزادی، رفاه و تعالی همه آحاد جامعه باشد، نه متعلق به یک مشت افراد ثروتمند. طبقه کارگر می خواهد ابزار تولید و ماشین آلات کار و تمامی منابع ثروت جامعه، دارایی مشترک همه زحمتکشان باشد. کارگران می خواهند از تقسیم بندی جامعه به طبقات استثمارگر و استثمار شده، فقیر و ثروتمند رهایی یابند. آنان می خواهند ثمره کار، تلاش و دست آوردها فکری بشری، برای ارتقاء و تعالی جمعیت کثیری از انسان هایی که کار می کنند، باشد، نه به عنوان ابزاری برای اعمال سرکوب و ستم بر کارگران و توده های زحمتکش مورد استفاده قرار گیرد.

اول ماه مه، روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران، نمادی از مبارزه طبقه کارگر برای پی افکندن یک چنین جامعه ای است. جلوه ای از نمایش مبارزاتی و همبستگی جهانی رژه گردان های ارتش کار در مقابل نیروی سرمایه است.

کارگران ایران نیز که خود گردانی از این ارتش بزرگ نیروی کار و جزئی جدا ناپذیر از پرولتاریای جهانی هستند، در اول ماه مه باید به رغم حاکمیت رژیم اختناق و سرکوب، به طرق گوناگون و با دست کشیدن از کار، همبستگی مبارزاتی شان را با کارگران سراسر جهان، برای سرنگونی نظام سرمایه داری و استقرار یک جامعه نوین کمونیستی متشکل از انسان های آزاد و برابر و رها شده از هر گونه ستم و استثمار، نشان دهند.

### رفقای کارگر!

بیش از سه دهه است که جمهوری اسلامی بر گلوی کارگران و توده های مردم ایران چنگ انداخته است. وخامت اوضاع معیشتی و شرایط اسفباری که رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران طی سال های اخیر به طبقه کارگر تحمیل کرده است، اساسا قابل مقایسه با هیچ دوره ای از حاکمیت رژیم جنایتکار و ضد کارگری جمهوری اسلامی نیست.

هم اکنون بحران اقتصادی و گرانی لجام گسیخته بیش از هر زمان دیگری معیشت توده های کارگر را با خطر جدی مواجه ساخته است. به موازات فشارهای اقتصادی، افزایش استثمار، بیکاری، فقر و فلاکت تحمیل شده بر طبقه کارگر، اختناق و سرکوب رژیم دیکتاتوری عریان تشدید شده است. در طی یک سال گذشته، دستگیری و بازداشت کارگران پیشرو و فعالین کارگری ادامه یافته است. بسیاری از کارگران آگاه و فعالین کارگری به خاطر دفاع از منافع طبقاتی کارگران، به خاطر ایجاد تشکل های مستقل کارگری و به خاطر مبارزه برای افزایش دستمزد مورد تهدید، آزار و اذیت ماموران امنیتی رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران قرار گرفته اند. تعدادی از آنان نیز بازداشت و هم اکنون در زندان ها تحت آزار و شکنجه هستند. اما، به رغم این همه فشار، به رغم این همه سرکوب و بگیر و ببند، نه تنها طبقه کارگر ایران از مبارزه برای تحقق مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود عقب نشینی نکرده است، نه تنها مرعوب تهدیدها و سرکوب های آشکار و نهان نیروهای پلیسی و امنیتی پاسدار سرمایه نشده، بلکه بر آگاهی طبقاتی و خوی مبارزه جویی خود نیز افزوده است. وقوع صدها تحصن، راهپیمایی، تجمع اعتراضی در مقابل مراکز دولتی، ایجاد راه بندان و اعتصابات کارگری در مراکز تولیدی گویای رشد و ارتقاء مبارزات طبقه کارگر ایران طی یک سال گذشته است.

### رفقای کارگر!

ناتوانی جمهوری اسلامی در پاسخ گویی به معضلات جامعه سرمایه داری، این رژیم را با بحران های اقتصادی و اجتماعی شدیدی مواجه کرده است. تعمیق بحران های اقتصادی، اجتماعی جمهوری اسلامی طی چند سال گذشته، بحران سیاسی ژرف و عمیقی را در هیئت حاکمه دامن زده است. بروز درگیری ها و کشمکش های لاینحل جناح های مختلف درون حاکمیت و بازتاب بیرونی آن، صرفا بیانی از تعمیق بحران های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران است. نظامی که در همه جهات به بن بست رسیده و راه حلی برای بحران های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود ندارد.

با این اوصاف روشن است که سال ۹۲، سال آرامی برای جمهوری اسلامی نخواهد بود. بحران های رژیم تشدید و تضادهای درونی هیئت حاکمه باز هم عمیق تر خواهد شد. سیاست های جمهوری اسلامی در تمام عرصه های داخلی و بین المللی با شکست مواجه شده است. هم اکنون بسیاری از مراکز تولیدی کاملا متوقف و بسیاری دیگر نیز با ظرفیت زیر ۵۰ درصد فعالیت دارند. میلیون ها کارگر و زحمتکش زیر خط فقر زندگی می کنند. در چنین وضعیتی، تشدید مبارزه طبقاتی و گسترش مبارزه برای بقاء و ادامه حیات امری اجتناب ناپذیر خواهد شد. طی سال های اخیر، مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری و مبارزه برای افزایش دستمزد از جمله مطالباتی بوده اند که کارگران ایران همواره برای آن جنگیده اند. به رغم اینبه مطالبات تلنبار شده کارگران، مسئله آزادی های سیاسی یکی از مسائل مهم برای طبقه کارگر است که بدون آن نمی تواند از آزادی برپائی تشکل های مستقل برخوردار گردد.

طبقه کارگر ایران اگرچه برای براندازی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم مبارزه می کند، اما نمی تواند تا تحقق این امر نسبت به موضوعاتی که هم اکنون و به صورت روزانه بقاء و تداوم زندگی آنان را تهدید می کند، سکوت نماید. در وضعیتی که کارگران ایران زیر چرخ دنده های پرشتاب لکوموتیو گرانی در حال له شدن هستند، مبارزه برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط زندگی، مبارزه ای برای ادامه حیات و بقاء کارگران است. آنچه مسلم است، مبارزه برای افزایش دستمزد با مبارزه برای آزادی تشکل های مستقل کارگری گره خورده است. لذا، آزادی ایجاد تشکل های مستقل کارگری و افزایش دستمزد از جمله مطالبات فوری هستند که در اول ماه مه امسال نیز در صدر مطالبات کارگران قرار دارند.

## ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۹۱ و چشم انداز آن در سال ۹۲

سیاسی رژیم سرمایه‌داری حاکم علیه کارگران و جنبش کارگری ایران بوده است. بدیهیست که این اقدامات سرکوبگرانه و ضد کارگری نیز به سهم خود خسارات و لطمات زیادی را بر فعالیت کارگران وارد ساخته و موانعی هرچند قابل عبور را در این مسیر ایجاد کرده است. ناگفته روشن است که عدم تشکل یابی کارگران و محرومیت طبقه کارگر از تشکل های طبقاتی خود، از عوامل بسیار مهم و چه بسا مهم ترین عاملی بوده است که طبقه حاکم توانسته است این وضعیت اسف انگیز و برده وار را بر کارگران ایران تحمیل کند.

بدیهیست که تعرضات و فشارهای طبقه حاکم علیه طبقه کارگر به ویژه در عرصه اقتصادی و معیشتی تأثیرات بازدارنده‌ای بر مبارزات کارگران می‌گذارد. وقتی که دستمزد ماهانه کارگر برای گذران زندگی کافی نیست و در واقع در همان چند روز اول ماه تمام می‌شود، کارگر مدام در فکر این است که چگونه و از چه راهی باید و با می‌تواند هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین کند. این موضوع مستقل از اراده کارگر، نه فقط به مشغله ذهنی وی تبدیل می‌شود بلکه در عمل نیز کارگر برای تأمین هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌اش به هر دری می‌زند. از اضافه‌کاری گرفته تا کار دوم و سوم و غیره و با زدن از سفره غذایی و صرف‌نظر کردن اجباری از بسیاری از امکانات زندگی، روزگار را ولو در فقر و فلاکت و تنگدستی مفرط سپری می‌کند. اما این هنوز یک روی قضیه است و یک نتیجه از وضعیت وخیم اقتصادی و معیشتی کارگر است و زمانی‌ست که فنر فشارهای اقتصادی و معیشتی هنوز تا انتها فشرده نشده است. این فشارها اگر از حد معینی فراتر رود، که رفته است- می‌تواند اثرات معکوسی بر جای بگذارد. وقتی که روند افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم ادامه پیدا می‌کند و وضعیت اقتصادی و معیشتی کارگر پیوسته وخیمتر می‌شود، فشارهای معیشتی فزون از حد تحمل کارگر، گلوئی کارگر و خانواده‌اش را تا حد مرگ و نیستی می‌فشارد. تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی، وضعیت فلاکت‌بار کارگر و خانواده‌اش را به وضعیتی هلاکت‌بار می‌کشاند. در چنین حالتی حتی با اضافه‌کاری و کار دوم و سوم هم اگر پیدا شود، نمی‌توان کاری از پیش برد، چرا که قیمت‌ها فوق‌العاده بالا و دستمزدهای واقعی بسیار پائین است و شکاف درآمدها و هزینه‌های خانوار کارگری به حدی بزرگ و عمیق است که با چند ساعت اضافه‌کاری و یا کار دوم و سوم هم نمی‌توان از پس هزینه‌ها برآمد و این شکاف را پر کرد. به عبارت دیگر فنر فشار اقتصادی و معیشتی تا انتها فشرده شده و دیگر جایی برای فشار بیشتر باقی نمی‌ماند. فنر تحمل فشارهای اقتصادی و معیشتی از هم گسسته و پاره می‌شود و در این حالت هیچ راه دیگری برای کارگر باقی نمی‌ماند جز آنکه نسبت به وضعیت موجود و برای تغییر آن به نبردی سرنوشت ساز برخیزد و حق خود را از حلقوم سرمایه‌دار بیرون بکشد!

کارگر نه فقط چیزی ندارد که در این رو در روئی طبقاتی بخواد آن را از دست بدهد، بلکه او برای زنده ماندن و نمردن از گرسنگی ناگزیر از این رو در روئی‌ست. در این‌جاست که در واقع روی دیگر تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی پدیدار می‌شود!

قابل ذکر است که به رغم تمام اقدامات ضد کارگری و تعرضات و موانع عیدیه‌ای که طبقه حاکم چه در عرصه اقتصادی و معیشتی و چه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بر سر راه مبارزه طبقه کارگر ایجاد نمود، و به‌رغم اثرات منفی و بازدارنده این اقدامات و تعرضات بر مبارزات کارگری، اما این اقدامات و تعرضات باز هم نتوانست سد غیر قابل عبوری در برابر مبارزات طبقه کارگر و جنبش کارگری ایجاد کند. طبقه کارگر ایران به‌رغم تمام این مشکلات و دشواری‌ها، علیه این تعرضات و برای دستیابی به مطالبات خود در صدها مورد و در اشکال متنوعی دست به اعتراض زد. از اعتصاب و خواباندن چرخ‌های تولید گرفته تا برپائی تجمعات اعتراضی در برابر کارخانه و یا در مقابل ادارات و مراکز دولتی مانند ادارات کار، دفتر ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها. از انجام تظاهرات و راهپیمائی گرفته تا بستن خیابان و ایجاد راهپندان. اعتصابات مکرر ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا، اعتصابات مکرر ۶۰۰ کارگر صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ و تجمعات مکرر این کارگران در برابر استانداری تهران و مسدود ساختن خیابان‌ها، تجمعات اعتراضی و مکرر ۶۵۰ کارگر شهاب خودرو در مقابل کارخانه و سپس در تهران در مقابل وزارت کار، دفتر ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، اعتصاب ۲۰۰۰ کارگر نی بُر کشت و صنعت کارون شوشتر و سپس تجمع ۵۰۰ تن از کارگران به نمایندگی از کارگران اعتصابی به مدت یک هفته در برابر ادارات مختلف دولتی در تهران از جمله در برابر دفتر ریاست جمهوری، اعتصاب سه روزه حدود ۱۰۰۰ کارگر نی بُر کشت و صنعت هفت‌تپه و پیوستن ۳۰۰ کارگر این مجتمع به نمایندگی از کارگران اعتصابی، به کارون شوشتر در برابر دفتر ریاست جمهوری در تهران، اعتصاب کارگران فازهای ۱۵، ۱۶، ۲۰ و ۲۱ سلویه و کارگران پتروشیمی منطقه ماهشهر، اعتصاب و راهپیمائی شش کیلومتری متجاوز از ۲۰۰ کارگر کاشی گیلانا از محل کارخانه به سمت رودبار و سپس برپائی تجمع در برابر فرمانداری این شهر، تجمعات اعتراضی کارگران شرکت واحد از جمله تجمع اعتراضی ۲۰۰ نفر از رانندگان شرکت واحد در برابر اداره کار، تنها نمونه‌هایی از اعتصابات، تجمعات و حرکت‌های اعتراضی کارگران در سال ۹۱ می‌باشد.

جنبش کارگری ایران در سال ۹۱ همچنین شاهد فعالیت برخی از فعالین مستقل کارگری برای راه‌اندازی یک جنبش توده‌ای کارگری به منظور

افزایش دستمزدها، از طریق تهیه طومار و جمع‌آوری ۳۰ هزار امضا بود. اگرچه از همان آغاز کاملاً روشن بود که دولت ارتجاعی و ضد کارگری حاکم و وزارت کار آن از طریق طومار اعتراضی به خواست کارگران پاسخی نخواهد داد، اما این اقدام در هر حال توانست مسئله کارگران و ضرورت افزایش دستمزد کارگران را تا حدی در مقیاس تمام جامعه مطرح سازد و در عین حال حامل این نتیجه باشد که تاکتیک طومار اعتراضی زمانی می‌تواند مؤثر واقع گردد که با تاکتیک‌ها و اشکال عالی‌تر و مؤثرتری از مبارزه، مانند اعتصاب و تجمعات اعتراضی و خیابانی تلیفیک گردد.

اگرچه در سال ۹۱ نیز بخش عمده مطالبات و شعارهایی که در حرکت‌های اعتراضی کارگران مطرح شد، مانند پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، مخالفت با توقف و تعطیل کارخانه، راه اندازی کارخانه و بازگشت به کار، تضمین شغلی و امثال این‌ها مطالباتی‌ست اقتصادی که خصلت دفاعی دارند، اما کارگران در جریان اعتراضات خود حتی شعارمرگ بر سرمایه‌دار هم سرداندند، در ابعاد گسترده‌ای خواستار افزایش دستمزدها شدند، خواستار بازگشت به کار همکاران خویش شدند که به خاطر فعالیت‌های سندیکائی اخراج شده‌اند و بالاخره حق ایجاد تشکل‌های کارگری کماکان یکی از خواست‌های مهم کارگران در سال ۹۱ بود.

علاوه بر این، آن دسته از کارگران پیشرو و فعالانی که توانسته‌اند خود را متشکل سازند و تشکل‌هایی نیز ایجاد کرده‌اند، نه فقط خواست‌های صنفی و اقتصادی آن بخش از کارگرانی را که نمایندگی می‌کنند مجدانه پی‌گیری نمودند، بلکه در دفاع از دیگر کارگران و هم طبقه‌ای‌های خود و طرح مطالبات سیاسی نیز فعال بودند، نسبت به مسائل سراسری و عمومی جامعه و حتی در مورد مسائل کارگری در سایر کشورها نیز به موضع‌گیری پرداختند و در این مورد توانستند اتحاد عمل‌هایی را نیز ولو در حد صدور بیانیه و موضع‌گیری مشترک سازمان دهند. این عملکرد را به نحو برجسته‌ای می‌توان در سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه مشاهده کرد. علی‌رغم این‌که این سندیکای کارگری از همه سو تحت فشار قرار گرفته و بسیاری از رهبران و فعالان آن بازداشت و زندانی و شکنجه شده و یا اخراج و تحت پی‌گرد دائمی قرار دارند، اما سندیکای کارگران شرکت واحد به فعالیت خود در زیر سر نیزه ادامه داده است. اقدامات اخیر سندیکا را که در تجمعات اعتراضی در برابر شعبات مختلف اداره کار در تهران و از جمله تجمع اعتراضی ۲۰۰ تن از رانندگان این شرکت در برابر وزارت کار و تسلیم طومار اعتراضی که ۲۰۰۰ تن آن را امضا کرده بودند، انعکاس یافت باید تکان و تحرکی در راستای ایجاد یک ارتباط و پیوند فعال و ارگانیک سر با بدنه سندیکا به حساب آورد که رویکردی امیدوار کننده در ادامه‌کاری و بقاء فعال سندیکاست. علاوه بر موضع‌گیری‌های متعدد و مستقل فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد از جمله رضا شهابی، داوود رضوی، همایون جابری و علی اکبر نظری و علاوه بر موضع‌گیری‌های به موقع سندیکای کارگران شرکت واحد نسبت به مسائل

## ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۹۱ و چشم انداز آن در سال ۹۲

کارگری به ویژه در اعتراض به پیش‌نویس قانون تأمین اجتماعی و قانون کار و همچنین در مورد تعیین حداقل دستمزدها، سندیکای کارگران شرکت واحد در چندین مورد نیز با برخی دیگر از تشکلهای کارگری اقدام به صدور اطلاعیه و موضع‌گیری مشترک نمود که می‌توان به اطلاعیه مشترک سندیکای شرکت واحد با چهار تشکل دیگر به نام‌های؛ اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، هیأت مؤسس سندیکای کارگران نقاش و کانون مدافعان حقوق کارگر در سیزده آذر ۹۱ اشاره کرد. در این اطلاعیه به حادثه آتش‌سوزی در یک کارخانه تولید پوشاک در بنگلادش که منجر به کشته شدن بیش از ۲۰۰ کارگر شد اشاره شده، همچنین از سود پرستی سرمایه‌داران که برای جان کارگران و نیروی کار ارزشی قائل نیستند و بالاخره از ضرورت ایجاد تشکلهای قدرتمند کارگری که بتوانند در برابر سرمایه‌داران بایستند، سخن به میان آمده است. با می‌توان به اطلاعیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد با دو تشکل دیگر، اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای و کانون مدافعان حقوق کارگر در ۱۴ آبان ۹۱ پیرامون مرگ ستار بهشتی کارگر وبلاگ نویس اشاره نمود که در آن از رفتارهای غیر انسانی در زندان‌های جمهوری اسلامی انتقاد به عمل آمده و امضا کنندگان اطلاعیه خواستار پی‌گیری و مشخص شدن آمران و عاملان مرگ ستار بهشتی شده‌اند. و باز می‌توان از اطلاعیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد با پنج تشکل دیگر به نام‌های هیأت مؤسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، اتحادیه کارگران پروژه‌ای، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، اتحادیه آزاد کارگران ایران و کانون مدافعان حقوق کارگر در دی ماه ۹۱ یاد نمود که در آن به کشته شدن ۵ کارگر افغان در حین انجام کار در خاک سفید تهران پارس، کشته شدن کارگران معدن ذغال سنگ طبس و مصدوم شدن ۲۷ نفر در جریان آتش‌سوزی مدرسه روستای شین اباد در پیرانشهر که دو تن از آنان فوت کردند اشاره شده است. در اطلاعیه نسبت به کشته شدن کارگران و کودکان اعتراض شده در عین حال از کارگران خواسته شده است برای درمان دردهای مشترک تشکلهای خود را ایجاد کنند. امضا کنندگان اطلاعیه در پایان اطلاعیه خود نوشته‌اند "برای رسیدن به آینده‌ای بهتر، برای زندگی و کار، چاره‌ای جز وحدت و تشکیلات و اتحاد سراسری نداریم. پس پیش به سوی تشکل مستقل و سراسری کارگران ایران" سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه که در اول ماه مه سال ۹۱ مستقلاً قطعنامه مجزائی صادر نموده بود، اکنون به شکل آشکاری به سوی اتحادعمل‌های کارگری سمت‌گیری نموده و پای ثابت این اتحاد عمل‌هاست. اما سندیکای کارگران نی‌شکر هفت تپه که در اول ماه مه سال ۹۱ با سه جریان (اتحادیه کارگران پروژه ای، هیئت مؤسس کارگران نقاش ساختمان و کانون مدافعان حقوق کارگر) قطعنامه مشترکی به مناسبت روز

کارگرسا در کرده بود، متأسفانه در این اتحاد عمل‌ها غایب است. باید اظهار امیدواری کرد که جنبش کارگری در اول ماه مه سال جاری شاهد اتحادعمل گسترده تشکلهای کارگری و تشکلهای فعالان کارگری باشد.

افزون بر این اطلاعیه‌ها و موضع‌گیری‌های مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد با تشکلهای دیگر و نیز صرف‌نظر از موضع‌گیری‌های متعدد کارگران پیشرو و فعالان کارگری مانند رضا شهابی، شاهرخ زمانی، محمود صالحی و علی نجاتی، در زمینه‌های مختلف منجمله در مورد تشدید فشار بر کارگران زندانی و خواست آزادی آن‌ها و یا زمینه افشای ماهیت تشکلهای وابسته به رژیم که هر ساله اعضای آن تحت عنوان نمایندگان کارگران ایران به سازمان جهانی کار اعزام می‌شوند، سندیکای کارگران هفت‌تپه نیز پی از مدتی وقفه در فعالیت سندیکائی، اخیراً با صدور اطلاعیه‌ای در ۱۴ فروردین ۹۲، خواستار آزادی کارگران زندانی شد که این نیز می‌تواند نوید بخش حضور فعال‌تر و مجدد سندیکای کارگران هفت‌تپه در سال ۹۲ باشد.

در پایان اگر بخواهیم یک جمع‌بندی از مبارزات کارگری و جنبش کارگری در سال نود و یک به‌دست دهیم باید بگوئیم که علی‌رغم تشدید فوق‌العاده فشارهای اقتصادی و معیشتی بر دوش کارگران، علی‌رغم اخراج‌ها و بی‌کارسازی‌های وسیع و گسترده و علی‌رغم بازداشت و زندان و احضار فعالان کارگری و سندیکائی و تشدید فشارهای سیاسی و تهدیدات امنیتی، کارگران ایران در صدها مورد در اشکال مختلفی برای دستیابی به مطالبات خود، برای بهبود شرایط کار، علیه وضعیت موجود و برای تغییر آن دست به مبارزه زدند. طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن اگر چه در سال ۹۱ موانع و محدودیت‌های زیادی را بر سر راه فعالیت

کارگران پیشرو و آگاه و تشکلهای موجود کارگری ایجاد کرد، اما نتوانست جلوی اعتراضات کارگری را بگیرد. جنبش کارگری در سال نود و یک به ویژه آنجا که به تشکلهای موجود کارگری و تشکلهای فعالان کارگری برمی‌گردد و تا آنجا که به تلاش آن‌ها برای تشکلهای کارگران، به موضع‌گیری‌ها و آگاهی‌رسانی آن‌ها برمی‌گردد، نسبت به سال قبل‌تر از آن گام‌هایی به جلو برداشت.

بدون شک اعتراضات کارگری در اشکال متنوع خود در سال جاری (۹۲) ادامه خواهد یافت و از رشد و گسترش بیشتری نیز برخوردار خواهد شد. جامعه ایران از لحاظ سیاسی بسی ناپایدار می‌نماید. بحران مناسبات خارجی جمهوری اسلامی و نیز بحران اقتصادی و سیاسی آن رو به تشدید است.

کشمکش‌های درونی هیئت حاکمه که پاسخی برای حل بحران‌های موجود ندارند، بیش از پیش افزایش یافته و شکاف‌های حکومتی نیز عمیق‌تر شده است. تضادهای طبقاتی فوق‌العاده تشدید گشته و به مرحله حادی رسیده‌اند. روند فزاینده تورم و گرانی ادامه دارد. فقر و ثروت مشخص‌تر از هر زمان دیگری در دو قطب جامعه متراکم شده است. با تعیین دستمزدهای کارگری زیر ۵۰۰ هزار تومان و پائین‌تر از یک چهارم خط فقر، طبقه حاکم هستی کارگران و خانواده‌های کارگری را بطور مستقیم و جدی در معرض خطر افکنده است. کارگران برای بقا و حیات خود و برای نمردن در فلاکت و گرسنگی، راه دیگری ندارند جز آنکه به مبارزه ای جدی و همه جانبه برخیزند. جامعه، آبستن تلاطمات سیاسی‌ست. تلاطماتی که می‌تواند به سود جنبش کارگری تمام شود. طبقه کارگر باید خود را آماده سازد که از آن به سود خود و تعمیق مبارزه‌اش علیه نظم موجود به‌برداری کند.



## خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران

## گام‌های بزرگ طبقه کارگر جهانی در مبارزه طبقاتی

شگفت‌انگیز فیلم‌های جیمز بوند و وردهای منحرف کیم یونگ اون، فرو رفت. چنین به نظر می‌رسید، سنیز طبقاتی که به باور مارکس تعیین‌کننده مسیر تاریخ است، در عصر شکوفایی تجارت آزاد و تصدی آزاد ناپدید گردد. قدرت فراگیر جهانی‌سازی که دوردست‌ترین نقاط کره زمین را در حلقه‌های سودآور سرمایه مالی، برون‌سپاری و تولید صنعتی بی‌مرز مرتبط ساخته است، برای همگان از معلمان فنی دره سیلی‌کون گرفته تا دختران مزارع چینی، فرصت‌های گسترده‌ای را برای ثروتمند شدن فراهم می‌آورد. چنین به نظر می‌رسید که سرمایه‌داری به وعده خود - ارتقای همگان به بلندی‌های ثروت و رفاه - عمل می‌کند. چنین می‌اندیشیدیم. اما با گرفتار شدن اقتصاد جهانی در بحرانی درازمدت و کارگران سراسر جهان زیر فشار بیکاری، قرض و درآمدهای راکد، نقد گزنده‌ی مارکس از سرمایه‌داری را مبنی بر این که سیستم ذاتاً ناعادلانه و خودتخریب‌گر است، به سادگی نمی‌توان کنار نهاد. مارکس این نظریه را پرداخت نمود که با تمرکز ثروت جهانی در دست گروهی آژمند، نظام سرمایه‌داری جبراً توده‌ها را فقیر می‌کند و باعث بحران‌های اقتصادی و تشدید سنیز میان طبقات ثروتمند و کارگران می‌گردد.

پرونده‌های قطور از اتفاقات نشان می‌دهد که احتمالاً او حق داشت. تأسف‌آور است که به راحتی آمارهایی را می‌توان یافت که نشان می‌دهد، ثروتمندان، ثروتمندتر، اما طبقه متوسط و فقرا، نه!

یک تحقیق انستیتوی سیاست اقتصادی ماه سپتامبر در واشنگتن نشان می‌دهد که متوسط درآمد سالانه یک کارگر مرد که تمام وقت کار می‌کند، در سال ۲۰۱۱، ۴۸۲۰۲ دلار بود که کمتر از سال ۱۹۷۳ است. بین سال‌های ۱۹۸۳ و ۲۰۱۰، ۷۴ درصد از افزایش ثروت به ۵ درصد از ثروتمندترین تعلق گرفت، و حال آن که درآمدهای ۶۰ درصد پایین‌ترین بخش مردم، کاهش یافت.

آمارهایی را که نویسنده تایم به آن استناد می‌کند، البته مختص آمریکا نیست، بلکه اوضاع در عموم کشورهای جهان بر همین منوال است. با عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی در سال‌های اخیر، شرایط مادی و معیشتی توده‌های کارگر وخیم‌تر شده و توأم با آن نیز شکاف طبقاتی ژرف‌تر شده است. طبیعی‌ست که تحت یک چنین شرایطی مبارزه طبقاتی کارگران علیه بورژوازی و نظم طبقاتی سرمایه‌داران نیز اعتلا یابد و تشدید شود. در طول یک سالی که از ماه مه ۲۰۱۲ تا به امروز می‌گذرد، این مبارزه گام‌های غول‌آسایی به پیش برداشته است. کارگران سراسر جهان در هزاران مورد به اشکال متعددی از اعتراضات متوسل شدند. در این یک سال، تظاهرات و اعتصابات برپا گردید که گاه میلیون‌ها تن در آن شرکت داشتند. در این میان برجسته‌ترین رویداد مبارزاتی جنبش کارگری، اعتصاب و تظاهرات هم‌زمان و گسترده کارگران در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲، روز همبستگی علیه ریاضت بود. در این روز میلیون‌ها تن در ۲۳ کشور اروپایی

دست از کار کشیدند و نمایی قدرتمند از اتحاد و همبستگی کارگری را در مخالفت با بورژوازی و سیاست‌های ارتجاعی آن برپا کردند. گسترده‌ترین این اعتراضات در اسپانیا و پرتغال بود. در اسپانیا حدوداً ۲ میلیون کارگر و زحمتکش در سراسر این کشور راهپیمایی و تظاهرات کردند. صدها هزار تن در پرتغال به خیابان‌ها آمدند. در فرانسه در ۱۰۰ شهر کوچک و بزرگ تظاهرات برپا شد. در یونان اعتصاب عمومی بار دیگر کشور را تعطیل نمود. در ایتالیا کارگران ۴ تا ۸ ساعت دست از کار کشیدند. در این کشور تظاهرات به درگیری و زد و خورد با نیروی سرکوب پلیس انجامید. در آلمان متجاوز از صد اقدام اعتراضی در همبستگی با پرولتاریای دیگر کشورهای اروپایی سازمان داده شد. در دیگر کشورهای اروپایی نیز اعتصابات و تظاهرات در سطحی محدودتر برپا گردید.

۱۴ نوامبر، یک روز تاریخی در مبارزات طبقاتی کارگران بود. نمونه یک چنین مبارزه‌ای در چندین دهه‌ی گذشته دیده نشده بود. آنچه این مبارزه کارگران اروپایی را در این روز برجسته ساخت، نه صرفاً افزایش روحیه رزمندگی و مبارزه‌جویی کارگران، بلکه اتحاد و همبستگی عملی کارگران سراسر قاره اروپا بود که رشد و ارتقای آگاهی طبقاتی را نشان می‌داد. کارگران با مبارزه‌ی مشترک خود در این روز در عمل نشان دادند که آگاهند نفع طبقاتی واحدی دارند، دشمن آن‌ها واحد است و تنها با مبارزه مشترک می‌توانند بورژوازی را سرنگون و نظم طبقاتی سرمایه‌داری را براندازند. این تقویت روحیه همبستگی در عرصه پیکار طبقاتی، بر بستر شرایطی شکل گرفته است که اکنون در جهان سرمایه‌داری حاکم است و به ویژه در دو، سه سال اخیر میلیون‌ها کارگر را به مبارزه‌ای آشکارا رو در رو با رژیم‌های حاکم سرمایه‌داری سوق داده است.

مبارزات قهرمانانه و پیگیرانه کارگران یونانی و اعتصابات، تظاهرات و راهپیمایی‌های کارگران فرانسوی، مبارزات کارگران ایتالیایی، اسپانیایی و پرتغالی در چند سال اخیر برجسته‌تر از همیشه بوده است.

در یونان که کارگران زیر شدیدترین فشار سیاست‌های ارتجاعی بورژوازی داخلی و ترویکا (اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپایی و صندوق بین‌المللی پول) قرار دارند، تا جایی که دستمزد و حقوق آن‌ها عملاً به نصف کاهش یافته، نرخ بیکاری ۲۴ درصد و برای جوانان ۵۵ درصد است، اعتصابات و تظاهرات مداومی در جریان بوده است. اعتصابات عمومی سراسری در این یک سال نیز پیوسته رخ داده است. در اعتصاب عمومی ۴۸ ساعته‌ی نوامبر، سراسر کشور تعطیل گردید و تنها در آتن متجاوز از نیم میلیون تظاهرات برپا کردند. در اعتصاب عمومی ۲۶ دسامبر که به درگیری گسترده‌ای میان تظاهرات‌کنندگان و پلیس ضد شورش انجامید، ده‌ها هزار تن در تظاهرات شرکت کردند. در طول دو ماه، سه اعتصاب

عمومی برپا گردید.

اسپانیا در اکتبر ۲۰۱۲ شاهد تظاهرات بسیار گسترده‌ای در شهرهای مختلف این کشور بود. اعتصاب عمومی روز همبستگی نیز که حدود ۲ میلیون کارگر به اعتصاب و تظاهرات روی آوردند، یکی از مهم‌ترین اعتصابات و تظاهرات کشورهای اروپایی در یک سال گذشته بود. علاوه بر این، اسپانیا در این یک سال اعتصابات متعدد رشته‌ای داشته است که از نمونه برجسته‌ترین آن‌ها اعتصاب، تظاهرات و راهپیمایی ۸ هزار کارگر معادن آستوری بود که در معرض اخراج قرار گرفته بودند. کارگران معادن آستوری پس از سه هفته اعتصاب و درگیری و زد و خورد با نیروهای سرکوب، بسن جاده‌ها و سنگربندی، یک راهپیمایی ۴۰۰ کیلومتری را به سوی مادرید سازمان دادند. این مبارزه قهرمانانه از حمایت گسترده توده‌های کارگر در سراسر اسپانیا برخوردار گردید.

کارکنان بیمارستان‌های اسپانیا نیز در اعتراض به خصوصی‌سازی امکانات درمانی و بهداشتی مردم، چندین اعتصاب برپا نمودند. در اعتصاب ماه سپتامبر متجاوز از ده هزار تن شرکت کردند. دو اعتصاب ۲۴ ساعته دیگر نیز در ماه دسامبر برپا گردید.

کارگران پرتغالی در روز همبستگی تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند و ده‌ها هزار نفر در آن شرکت نمودند. اما بزرگ‌ترین اعتصاب عمومی کارگران پرتغالی در مارس ۲۰۱۳ برپا گردید که متجاوز از ۱/۵ میلیون نفر دست از کار کشیدند و فقط در لیسبون ۸۰۰ هزار نفر در تظاهرات علیه ترویکا و سیاست‌های آن شعار سر دادند.

اعتصابات و اعتراضات به این کشورها محدود نشد. در فرانسه و ایتالیا به جز اعتصاب روز همبستگی، کارگران اعتصابات و تظاهرات متعددی را سازمان دادند. در فرانسه مبارزه کارگران ماشین‌سازی به اشغال کارخانه توسط کارگران برای مقابله با اخراج و تعطیل نیز انجامید. در آلمان، بلژیک و دیگر کشورهای اروپایی نیز اعتصابات گاه مهم و برجسته‌ای رخ داد.

در بخش شرقی اروپا در کشور بلغارستان، اعتصاب عمومی سراسری و تظاهرات برپا گردید که به لحاظ نتایج و مطالبات توده‌های کارگر و زحمتکش منحصر به فرد بود.

سال ۲۰۱۳ با یک رشته اعتصابات در بلغارستان آغاز گردید. در ماه فوریه مهم‌ترین اعتصابات، اعتصاب هزاران کارگر صنایع دفاع در اعتراض به طرح دولت برای خصوصی‌سازی این مؤسسات بود. مبارزات هنگامی ابعادی سراسری به خود گرفت که بهای گاز و برق شدیداً افزایش یافت و صورت‌حساب‌هایی با ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش برای مردم بلغارستان فرستاده شد. کارگران و زحمتکشانی که زیر فشار بحران اقتصادی، فقر و بیکاری قرار داشتند، دیگر تاب و تحمل این زورگویی بورژوازی را نداشتند. وضعیت توده‌های زحمتکش به مرحله‌ای وخیم بود که اخباری از خودسوزی مردم فقیر در چند مورد انتشار یافت. مردم با تجمع در مقابل ادارات، صورت‌حساب‌ها را آتش زدند و درگیری و

از صفحه ۳

## اول ماه مه روز اتحاد بین المللی کارگران

### رفقای کارگر!

به رغم حاکمیت رژیم سرکوب و اختناق در ایران، با صفوف به هم فشرده برای برگزاری باشکوه تر مراسم اول ماه مه، حول شعارهای آزادی تشکل و افزایش دستمزد تلاش کنیم. مبارزه علیه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران را شدت بخشیم و با تمام توان و امکانات به هر شکلی که می توانیم در همبستگی عملی با کارگران تمام کشورهای جهان، شکوه پر قدرت گردان های به هم پیوسته نیروی کار علیه نیروی سرمایه را به نمایش بگذاریم.

### رفقای کارگر!

سازمان فدائیان (اقلیت) فرا رسیدن روز اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان را تبریک می گوید و بار دیگر بر وحدت طبقاتی و تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان و گذار به سوسیالیسم تاکید می ورزد.

**زنده باد همبستگی بین المللی کارگران**  
**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی**  
**نابود باد نظام سرمایه داری**  
**زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**اردیبهشت ۱۳۹۲**

**کار- نان- آزادی - حکومت شورایی**

## گام های بزرگ طبقه کارگر جهانی در مبارزه طبقاتی

تظاهرات ۳۵ شهر این کشور را فرا گرفت. اعتصاب عمومی سراسری به همراه تظاهرات توده ای که به درگیری های گسترده با نیروهای سرکوب انجامید، چنان وسعت گرفت که بالاخره کابینه ارتجاعی دست راستی ناگزیر به استعفا گردید و عجلتاً اجرای طرح خصوصی سازی و افزایش قیمت برق و گاز، متوقف گردید.

با سقوط کابینه و وعده برگزاری انتخابات جدید، گرچه از دامنه و ابعاد تظاهرات کاسته شد، اما مبارزات در شرایط بحرانی همچنان ادامه دارد. یکی دیگر از نقاط برجسته مبارزات کارگران و زحمتکشان بلغاری، مطالبات آن ها در جریان اعتصاب و تظاهرات بود. توقف خصوصی سازی، ملی کردن خصوصی سازی های ۲۴ سال گذشته و الغای قراردادها و امتیازات این دوره، برپایی یک نظام سیاسی جدید که دیگر احزاب نتوانند اقدامات کابینه های گذشته را تکرار کنند، تدوین قانون اساسی جدید که در آن مکانیسم های دخالت مستقیم مردم در مسایل حکومتی تأمین و تضمین شده باشد، لغو مصونیت نمایندگان و برقراری اصل فراخوانی.

این مطالبات، آشکارا نشان می دهد که مردم بلغارستان خواهان برقراری یک حکومت کارگری هستند که وسایل تولید را از تملک افراد خصوصی خارج نماید و به تملک جامعه درآورد.

تربیدی نیست که با پیشرفت مبارزه طبقاتی، کارگران اروپای غربی نیز همین مطالبات را به شکلی آشکار و احتمالاً کامل تر به برنامه عمل مبارزاتی خود تبدیل خواهند کرد. چرا که این مبارزات نیز در ذات خود، مبارزه ای علیه سرمایه و برای برانداختن نظام سرمایه داری است. زمان می طلبد تا رشد و اعتلای مبارزات و تشدید مبارزه طبقاتی به نقطه ای بیانجامد که طبقه کارگر سرنگونی نظم سرمایه داری را به خواست فوری و مبرم خود تبدیل نماید.

مبارزه ای که در اروپا در جریان بوده است، در کشورها و قاره های دیگر جهان نیز در ابعاد و وسعت دیگری رخ داده است. در قاره آسیا، مهم ترین مبارزات کارگری در اندونزی، هند و بنگلادش رخ داد.

در ماه دسامبر، ده هزار کارگر نساجی های بنگلادش در منطقه صنعتی داکا، یک اعتصاب برپا کردند. رژیم حاکم بر این کشور نیروهای سرکوب خود را به مقابله با کارگران فرستاد که به یک درگیری گسترده منجر گردید. در اکتبر سال ۲۰۱۲ نیز حدود ۲ میلیون کارگر اندونزی برای افزایش دستمزد و دیگر مطالبات خود دست از کار کشیدند. این بزرگترین اعتصاب کارگری اندونزی، پس از سرکوب و کشتار گسترده کارگران و کمونیست های اندونزی توسط رژیم سوهارتو بود.

در قاره آفریقا یکی از مهم ترین و در عین حال خون بارترین مبارزات در آفریقای جنوبی رخ داد. در طول یک سال که از اول ماه مه ۲۰۱۲ می گذرد، کارگران آفریقای جنوبی به ویژه

کارگران معادن اعتصابات متعددی داشتند. اعتصاب معدن کاران پلاتین یکی از این اعتصابات بود. کارگران معدن پلاتین برای افزایش دستمزد یک اعتصاب چند هفته ای برپا کردند. سرمایه داران اما نیروی مسلح خود را برای مقابله با کارگران و مطالبات آن ها گسیل کردند. آن ها کارگران را به گلوله بستند و قتل عام ماریکانا را آفرینند که در جریان آن ۳۴ کارگر به قتل رسیدند، ۸۰ تن مصدوم شدند و ۲۷۰ کارگر نیز بازداشت شدند. بورژوازی آفریقای جنوبی با این وحشی گری، اما نتوانست کارگران را از مبارزه برای تحقق مطالباتشان بازدارد. کشتار کارگران معادن پلاتین لئونمین، موج وسیعی از مبارزات کارگران معادن را در پی داشت و زیر فشار این مبارزه، رژیم آفریقای جنوبی ناگزیر به آزاد کردن کارگران بازداشتی شد.

در شمال آفریقا کارگران مصری در این یک سال جهش بزرگی در مبارزه داشتند و گام های بزرگی به پیش برداشتند. در این یک سال کمتر هفته ای بدون اعتصاب و تظاهرات سپری گردید و حدود ۲ هزار اعتصاب رخ داد. در ژوئیه ۲۰۱۲، بار دیگر ۲۰ هزار کارگر نساجی محله که پیشروترین بخش کارگران مصری هستند، به حربه اعتصاب متوسل شدند. کارگران پرت سعید، اعتصاب عمومی برپا کردند و نقش فعالی در قیام این شهر بر عهده گرفتند. در هیچ کشوری از جهان همچون مصر این همه اعتصاب و تظاهرات در این دوره رخ نداده

است. به رغم موانعی که رژیم ارتجاعی اخوان المسلمین بر سر راه تشکل و مبارزات کارگران ایجاد نمود، کارگران مصری در بطن این مبارزات با سرعت باورنکردنی به تشکل های مستقل خود شکل داده اند. برخی گزارش ها حاکی از متشکل شدن ۲ میلیون کارگر در دو تشکل مهم سراسری این کشور است. این پیشرفت مبارزه طبقاتی کارگران مصری و نقش برجسته طبقه کارگر، نه فقط عامل مهمی در تداوم انقلاب مصر بوده است، بلکه به ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که می تواند به الگویی برای کارگران سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل شود.

مبارزات در قاره آمریکا و نیز استرالیا نیز در همین دوره با دامنه ای محدودتر ادامه داشته است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در فاصله یک سالی که از اول ماه مه ۲۰۱۲ می گذرد، به وضوح نشان می دهد که پروتاریای جهانی در این مدت گام های بزرگی در جهت آگاهی، تشکل و همبستگی به پیش برداشته، مبارزات این طبقه با اعتلای پیوسته ای همراه بوده، روحیه مبارزه جویی کارگران برجسته تر شده است و با این دستاوردها به استقبال برگزاری اول ماه مه ۲۰۱۳ می رود. جهان سرمایه داری راهی برای خروج از بن بست و بحران ندارد. فقط طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی جهانی است که می تواند بن بست موجود را در هم بشکند و بشریت را از فجایعی که نظم سرمایه داری آفریده نجات دهد.

## قرار نیست معجزه‌ای رخ دهد

چون پرتقال و سیب نیز می‌گذریم که به قیمت‌هایی بین ۵ تا ۶ هزار تومان نیز رسیدند. افزایش قیمت‌ها دیگر توانی برای کارگران و زحمتکش‌ها باقی نگذاشته است. آن‌ها با خود می‌گویند کاش افزایش قیمت‌ها به همین کالاهامحدود بود، اما مگر چنین چیزی ممکن است؟! هم‌اکنون تمام‌شواهد و حتا صداهاییکه از مراکز رسانه‌ای جمهوری اسلامی و از زبان مقامات حکومتی به‌گوش می‌رسد پیام‌آور چیزی جز گرانی و فقر بیشتر و هولناک‌تر کارگران در اقتصادی ورشکسته و درهم‌ریخته‌تر از سال گذشته نمی‌باشند.

مهدی سلیمان جاهی سرپرست "دفتر کل نظارت بر دارو و مواد مخدر سازمان غذا و دارو" روز ۲۲ فروردین در مصاحبه‌ای با خبرگزاری "ایسنا" با بیان این‌که دیگر ارز مرجع به هیچ کالایی اختصاص نخواهد یافت، از دو برابر شدن قیمت داروهای وارداتی و افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی داروهای تولید ایران خبر داد. روزنامه "تهران امروز" در گزارشی که روز شنبه ۲۴ فروردین به چاپ رساند، افزایش قیمت داروها را بیشتر دانسته و افزایش داروهای ساخت داخل را ۵۰ درصد اعلام نمود. روز ۲۱ فروردین نیز نآحسن امامی رضوی معاون وزارت بهداشت در ارتباط با تصویب تعرفه‌های درمانی سال ۹۲ از افزایش این تعرفه‌ها در گفت‌وگو با خبرنگاران خبر داده بود. با تعرفه‌های جدید هزینه تنها یک روز تخت در بیمارستان‌های خصوصی (و نه در بخش‌های ویژه مانند سی سی یو) آن‌هم بدون ویزیت دکتر و دارو به هفتصد هزار تومان می‌رسد. بدین ترتیب در طی دو مرحله و در کمتر از هشت ماه هزینه تخت بیمارستان خصوصی ۶۹ درصد و تخت بیمارستان‌های دولتی ۵۳ درصد افزایش یافت. با این حساب اگر کارگری که حداقل دستمزد می‌گیرد (و چه بسیارند از این کارگران) بخواهد همسر و یا فرزندش را در یک بیمارستان خصوصی بستری کند، تنها هزینه ۲ روز بستری شدن برابر با سه ماه دستمزد او خواهد بود. با این ترتیب می‌توان خیلی راحت حساب کرد که هزینه یک بیماری و بستری شدن در بیمارستان خصوصی همراه با پول دکتر، هزینه اتاق عمل، دارو و دیگر مخارج معمول، برای کارگر از دستمزد یک سال نیز ممکن است تجاوز کند!!

روزنامه قانون روز شنبه ۱۷ فروردین مصاحبه‌ای با یک کارشناس مسکن و عضو هیات علمی دانشگاه تهران، انتشار داد. وی در این مصاحبه با بیان این‌که قیمت ارز در سال گذشته ۲۰۰ درصد افزایش یافت اما مسکن حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از این افزایش قیمت را جذب کرده است، پیش‌بینی کرد که در صورت پایدار ماندن بهای ارزهای خارجی، قیمت مسکن در سال جاری حداقل ۱۵۰ درصد افزایش پیدا کند. وی مدعی شد که در صورت افزایش بهای کنونی ارز نمی‌توان وضعیت بازار مسکن را

پیش‌بینی کرد!! او رکود در بازار مسکن را نیز نتیجه‌ی همین بی‌ثباتی دانسته و گفت: "این فروشندگان هستند که بازار را راکد کرده‌اند و به دلیل ترس از آینده و انتظارات تورمی خود، نسبت به فروش واحدهای‌شان اقدام نمی‌کنند".

وی با بیان این‌که حدود چهار و نیم میلیون نفر برای دریافت مسکن مهر ثبت‌نام کرده‌اند، گفت: "آمار تحویل مسکن مهر به سختی به ۲۰۰ هزار واحد می‌رسد... از سوی دیگر در همین دوره زمانی هر سال بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار ازدواج صورت گرفته است. حال با توجه به ضریب استهلاک و تخریب می‌بینیم که تولید مسکن اصلا جوابگوی این تقاضا نیست". براساس گزارش مرکز آمار ایران نیز قیمت فروش زمین (و خانه‌های کلنگی) در تهران و در پاییز ۹۱ نسبت به سال قبل ۸۲ درصد افزایش داشته است. براساس این گزارش قیمت مسکن نیز طی این مدت ۵۳ درصد افزایش یافته است.

روزنامه جام جم ۱۹ فروردین از قول نهایندیان رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران می‌نویسد: "قدرت خرید پول ملی به نصف یا حتا ثلث کاهش یافته است". وی در ادامه با تشریح چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال جاری می‌گوید: "در حال حاضر کشور شاهد تکانه تورمی بی‌سابقه‌ای است که بر این اساس در سطح عمومی قیمت‌ها شاهد جهش بزرگی هستیم". پیش از این احمد توکلی نماینده مجلس و رئیس سابق مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در جریان یک سخنرانی در انجمن اقتصاددانان در تاریخ ۲۹ دیماه از کاهش ارزش پول ملی به میزان ۱۱۳ درصد طی ۱۰ ماه خبر داده بود. طبیعی‌ست که کاهش ارزش پول تنها به ارزهای خارجی محدود نخواهد ماند و با سرعتی کم و گاه زیاد این کاهش خود را در بالا رفتن بهای کالاهای دیگر نشان می‌دهد. ابتدا به سرعت کالاهایی مانند کامپیوتر که ارتباط مستقیمی با ارزهای خارجی دارند متأثر می‌شوند و در ادامه به دیگر کالاهای، حتا آن‌ها که هیچ ارتباطی با ارز خارجی به صورت مستقیم ندارند، تسری می‌یابد که مواد غذایی و محصولات کشاورزی تولید داخل نیز یکی از آن‌هاست. وقتی که ارزش پول داخلی کاهش می‌یابد و دلار گران می‌شود، آن‌گاه برای مثال صادرات پیاز و سیب‌زمینی به کشورهایی مانند عراق جذاب می‌شود، فروش این کالاها با دلار، دلاری که بین ارز مرجع و ارزی که در بازار خرید و فروش می‌شود یک فاصله‌ی ۳ برابری وجود دارد، برای صادرکننده سود سرشاری را به‌همراه می‌آورد. آن‌گاه سرمایه‌داری که در این بازار فعالیت می‌کنند، به این دسته کالاها هجوم می‌آورند و نتیجه این می‌شود که به‌یکباره پیاز همان‌طور که در بالا آمد در بهمن ماه سال گذشته به ۱۸۰۰ تومان در خرده فروشی می‌رسد، یعنی درست بعد از ماه شهریور و مهر سال گذشته که قیمت ارز به‌شدت افزایش یافت.

هشدار رئیس انجمن تولیدکنندگان جوجه یک روزه درباره‌ی احتمال تکرار بحران سال ۹۰ و ۹۱ در صنعت مرغ که منجر به گران‌شدن فاجعه‌بار گوشت مرغ گردید یک نمونه‌ی دیگر از وضعیت کنونی است. وی خواستار تعیین قیمت خرید تضمینی برای جوجه یک روزه و گوشت مرغ به‌میزانی شد که تولیدکنندگان بتوانند ادامه‌ی کاری بدهند، چرا که در غیراین‌صورت واحدهای فوق‌قادر به ادامه‌ی تولید نخواهند بود. وی در سخنان خود از جمله به افزایش ۱۰ تا ۳۰ درصدی قیمت سویا و ذرت در ظرف تنها یک ماه اخیر اشاره کرد.

خبرگزاری مهر در تاریخ ۲۸ بهمن‌ماه سال ۹۱ می‌نویسد: "روزانه ۷۰ تا ۷۵ هزار چک در کشور برگشت می‌خورد که برای خود رکوردی در سال ۹۱ محسوب می‌شود. آمار زندانیان نیز حاکی از افزایش تعداد زندانیان چک است".

مواردی که بیان شد به عنوان مثلی از خروار نشان‌گر موج ادامه‌دار و فراگیر گرانی و عقب‌برانی اقتصادی می‌باشد که امروز تمامی ارکان نظام سرمایه‌داری ایران را در بر گرفته است.

با این توضیحات اما سوال این است که آیا می‌تواند معجزه‌ای در جمهوری اسلامی رخ بدهد تا جلوی این شتاب وحشت‌انگیز تورم، گرانی و بیکاری گرفته شود؟ آن‌هم در حکومتی که سرتپای آن غرق در بحران و فساد است. حکومتی که دست‌پرورده‌های‌اش برای دستیابی بر صندلی ریاست‌جمهوری و خیمه زدن بر پول نفت از هم‌اکنون یکدیگر را به باد فحش گرفته‌اند؟! مگر جمهوری اسلامی و مناسبات سرمایه‌داری عامل این وضعیت وخیم اقتصادی نیستند؟! با کدام برنامه و با کدام تحول اقتصادی قرار است جلوی این شتاب گرفته شود؟! با وعده وعید و شعارهای توخالی که نمی‌توان جلوی بحران اقتصادی را گرفت. اگر می‌شد که باید تاکنون احمدی‌نژاد در این ۸ سال کاری برای اقتصاد بحران زده کشور می‌کرد نه آن‌که وضع را به این مرحله‌ی وحشتناک برساند. و باز مگر نه این که سیاست‌های اقتصادی دولت احمدی‌نژاد چیزی جز ادامه‌ی سیاست‌های دولت‌های قبل از او نیستند و همه‌ی جناح‌های حکومتی از جمله خامنه‌ای پشت این سیاست‌ها بوده‌اند؟! اما حالا که وضع به این نقطه رسیده همه یا بدنبال این هستند که وضعیت کنونی اقتصادی را به‌گردن یکدیگر انداخته و یا به‌گردن دشمن خارجی. بیپوده نیست که تمامی کاندیداهای ریاست‌جمهوری مهم‌ترین شعار تبلیغاتی‌شانرا به وضعیت وخیم اقتصادی اختصاص داده‌اند. اما واقعیت این است که هیچ‌کدام از آن‌ها فرقی با یکدیگر نداشته و سیاست‌های اقتصادی همه‌ی آن‌ها با مختصر تفاوت‌هایی که البته هیچ دردی را از کارگران و زحمتکش‌ها کم نمی‌کند، مانند هم است. نمونه‌ی آن سیاست اقتصادی نئولیبرال است که همه‌ی جناح‌های حکومتی در پیشبرد آن سهیم بودند و حذف یارانه‌ها یکی از جوانب برجسته آن است که تأثیر مهمی در تشدید رکود اقتصادی و افزایش تورم گذاشت. نمونه‌ی دیگر بودجه سالانه‌ی کشور است که به‌رغم تمام دعوایی که



## قرار نیست معجزه‌ای رخ دهد

عموما بر سر سهم‌خواهی در بودجه شکل می‌گیرد، در نهایت بودجه‌ای تصویب و به‌ویژه اجرا می‌شود که ریشه در همان سیاست اقتصادی نئولیبرال دارد. تمامی این بودجه‌ها که وظیفه‌ی اصلی آن تأمین نیازهای مالی نظام حاکم و تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد به نحوی که سرمایه‌داران همگی آن را ببلعند می‌باشد، حاصلی جز تشدید بحران اقتصادی، افزایش تورم و بیکاری و در نهایت افزایش فاصله‌ی طبقاتی به‌همراه نداشته است.

البته بودجه از سوی بازتاب‌دهنده‌ی بحران اقتصادی نیز می‌باشد. عمل‌کرد بودجه عمرانی در بودجه سال‌های اخیر یک نمونه‌ی آن می‌باشد. بودجه عمرانی نقش مهمی در رونق اقتصادی، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، و در نهایت ایجاد شغل می‌تواند ایفا کند، اما همواره بودجه‌های عمرانی در قیاس با حجم بودجه به‌ویژه بودجه جاری بسیار ناچیز هستند. با این وجود به همین میزان بودجه عمرانی نیز عمل نمی‌شود، در سال ۹۰ از ۳۴ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی تنها ۱۰ هزار میلیارد تومان آن هزینه شد و در سال گذشته نیز از ۳۸ هزار میلیارد تومان تنها ۱۵ هزار میلیارد تومان تحقق یافت. اما عمل‌کرد کل بودجه باز از این هم مهمتر است. به گفته‌ی مصباحی مقدم رئیس کمیسیون تلفیق مجلس، بین میزان بودجه مصوب سال گذشته با عملکرد آن ۴۵ درصد اختلاف وجود دارد (که رقمی بی‌سابقه است)، به گفته‌ی وی از بودجه ۱۶۴ هزار میلیارد تومانی سال گذشته تنها حدود ۱۰۰ هزار میلیارد آن تحقق یافته است. با توجه به شرایط اقتصادی کنونی و چشم‌انداز آن، بی‌شک همین معضل را در بودجه سال ۹۲ نیز شاهد خواهیم بود. اگر عمل‌کرد بودجه سال ۹۱ با بودجه تصویبی ۴۵ درصد اختلاف دارد، بیش از هر چیز بازتاب‌دهنده‌ی بحران عمیق اقتصادی است که حتی از نظر مالی نیز دولت را با ورشکستگی روبرو ساخته است. به گفته‌ی قادری سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس، دولت از مابه‌تفاوت فروش ارز به نرخ مرجع با نرخ مبادله‌ای در ماه‌های پایانی سال گذشته برای پرداخت حقوق بازنشستگان استفاده کرده است.

در ارتباط با بودجه سال ۹۲، یکی از مسائلی که امروز همه جناح‌های حکومتی بر آن توافق دارند بالا رفتن قیمت دلار در بودجه است. به گفته‌ی سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس اسلامی، پیشنهاد دولت تک نرخی کردن دلار و تعیین ۲۵۰۰ تومان برای هر دلار در بودجه است. اگرچه دولت به‌هیچ عنوان قادر به تک نرخی کردن ارز و جمع کردن بازار غیررسمی ارز نیست، اما حذف ارز مرجع و جایگزین شدن ارز به اصطلاح مبادلاتی، مهم‌ترین نتیجه‌اش گران شدن کالاهای ضروری برای کارگران و زحمتکشان است. چرا که بخش مهمی از ارز ۱۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی اختصاص می‌یافت. دولت برای جبران این موضوع پیشنهاد کرده است تا میزان سوبسیدهای دارو و نان از ۱۳ هزار میلیارد تومان به ۲۳ هزار میلیارد تومان در بودجه سال ۹۲ افزایش یابد که در جریان عمل و در بهترین حالت تنها درصد

ناچیزی از این افزایش را جبران خواهد کرد. گران شدن ارز دولتی همچنین تأثیر خود را در گران شدن مواد مورد نیاز واحدهای تولیدی و کشاورزی خواهد گذاشت که باز نتیجه‌ای جز گران شدن کالاهای بدنبال نخواهد آورد. بسیاری از صنایع کشور به صورت مستقیم وابسته به واردات مواد اولیه هستند و بالا رفتن هزینه ریالی واردات، گران شدن کالاهای بدنبال خواهد آورد. حتی کالاهایی که به نظر می‌آید کاملاً تولید داخل هستند مانند مثالی که در مورد پیاز و سیب‌زمینی زده شد نیز متأثر از این وضعیت خواهند شد.

از سوی دیگر ما با یک بحران اقتصادی عمیق روبرو هستیم، به‌گونه‌ای که حتی حکومتی‌ها نیز به عدم رشد اقتصادی و یا حتا رشد منفی اقتصاد در سال جدید اعتراف کرده‌اند. سعید لیلانز اقتصاددان نزدیک به اصلاح‌طلباناز جمله کسانی‌ست که رشد منفی ۳ تا ۴ درصدی اقتصاد ایران در سال آینده را پیش‌بینی کرده است. آخوند مصباحی مقدم نیز که ریاست کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق مجلس را برعهده دارد روز ۱۸ فروردین در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا گفت: "نرخ رشد اقتصادی صفر و یا زیر صفر و منفی است". تأثیر مستقیم رشد منفی اقتصادی در زندگی کارگران و زحمتکشان خود را بیش از هر چیز در افزایش بیکاری نشان

می‌دهد که باز نتیجه‌ای جز فقر بیشتر برای آن‌ها بدنبال نخواهد داشت. رکود اقتصادی در حالی‌ست که دولت هم به دلیل ناتوانی مالی و هم به دلیل وجود نقدینگی سرسام‌آور، نه قادر به مقابله با تورم است و نه برنامه‌ای مشخص برای این کار دارد که لایحه‌ی بودجه‌ی ۹۲ و پیشنهادات و نظراتی که در کمیسیون تلفیق مجلس حول آن مطرح شده بیان روشن آن هستند. با این ترتیب مشخص می‌شود که چشم‌انداز اقتصاد کشور در سال ۹۲ حتا به مراتب بدتر از سال ۹۱ خواهد بود و در نتیجه‌ی تشدید بحران اقتصادی، افزایش تورم و به‌ویژه گرانی نیازهای ضروری مردم، وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان وخیمتر خواهد گشت. حکومت اسلامی نه راه حلی برای بحران کنونی دارد و نه قادر است برای مقابله با آن برنامه‌ای ارائه کند. حکومت اسلامی در طول سال‌ها سلطه‌ی خود بر کشور ثابت کرده است که نه حق معاش برای کارگران قایل است و نه حق زندگی. حکومتی که در سایه‌ی قدرت‌اش کارگران و خانواده‌های‌شان از تحصیل، بهداشت، درمان، تفریح و خلاصه هر نیاز انسانی محروم شده‌اند. حکومتی که هرگز نسبت به فقر و فلاکتیکه به اکثریت بزرگی از جامعه تحمیل کرده، احساس مسوولیتی نکرده و تنها با ایجاد بحران‌های مصنوعی، تبلیغ و ایدئولوژی پوسیده‌ی خود و مهمتر از همه با سلاح و سرنیزه‌سعی در ادامه‌ی حکومت داشته است. رهایی از این وضعیت اقتصادی، تغییراتی اساسی می‌طلبد که جمهوری اسلامی در هیچ شکل و شمایل خود قادر به انجام آن نخواهد بود.



## حکومت شورائی، آلترناتیو کارگران و زحمتکشان است

### کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز ایران!

برای کسب قدرت سیاسی و استقرار یک حکومت شورائی، مبارزه خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی تشدید کنید.

در یک دولت شورائی، توده‌های کارگر و زحمتکش مستقیماً از طریق شوراها حکومت می‌کنند.

حکومت شورائی عالی‌ترین و کامل‌ترین شکل دموکراسی است.

در دموکراسی شورائی سیستم انتصابی مقامات وجود نخواهد داشت و کلیه نهادها، مقامات و مناصب انتخابی است.

در دموکراسی شورائی نمایندگان موظفند به موکلین خود حساب پس دهند و هر لحظه که انتخاب کنندگان اراده کنند، می‌توانند آن‌ها را معزول و نمایندگان دیگری را به جای آن‌ها برگزینند.

در دموکراسی شورائی حقوق نمایندگان و مقامات دولتی از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر تجاوز نخواهد کرد.

در دموکراسی شورائی قضات نیز انتخابی و قابل عزل خواهند بود.

عالی‌ترین ارگان دولت شورائی، کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا خواهد بود.

هدف فوری سازمان فدائیان (اقلیت) سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت شورائی در ایران است.

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

## حکم اعدام پنج زندانی سیاسی عرب خوزستان و پیوند آن با مسئله ملی

### آلماتی ۲ و حکایت همچنان باقی ست...

آلبوشوکه پنج زندانی سیاسی عرب خوزستان هستند که به علت فعالیت های خود به اتهام "محرابه"، تبلیغ علیه نظام" و "اقدام علیه امنیت ملی" محکوم شده اند. سازمان عفو بین الملل روز ۶ فروردین خواستار لغو مجازات اعدام آنان شد. کاترین اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی در بهمن ماه سال گذشته خواسته بود که اجرای حکم اعدام پنج زندانی سیاسی "متوقف" گردد. او گفته بود که بر اساس ناعادلانه محاکمه و به اعتراف دروغ وادار شده اند. "البته انتظار این که دستگاه قضائی جمهوری اسلامی کسانی را به ویژه در رابطه با اتهامات سیاسی عادلانه محاکمه نماید، انتظاری عبث است. خواسته ی اصلی نه توقف که لغو مجازات اعدام آنان و بقیه زندانیان باید باشد.

دیوان عالی جمهوری اسلامی حکم اعدام پنج فعال عرب خوزستان را روز ۲۰ دی ۱۳۹۱ تأیید نمود و از آن پس آنان در انتظار اجرای حکم هستند. قاضی بیدادگاه اسلامی شعبه ی ۲ اهواز که محمداقبر موسوی نام دارد در اواخر خرداد ۱۳۹۱ حکم اعدام این پنج نفر را صادر کرد و یک نفر دیگر را به نام رحمان عساکره به بیست سال زندان محکوم نمود. کامل آلبوشوکه که از نزدیکان این زندانیان است به فعالان حقوق بشر خبر داد که هر شش نفر از روز ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ در اعتراض به حکم خود دست به اعتصاب غذا زده اند و پس از چهارده روز به پیشنهاد خانواده ها اعتصاب خشک را به اعتصاب تر تبدیل کردند و آب و شیر نوشیدند.

بر اساس گزارش فعالان حقوق بشر ایران، محمدعلی عموری نژاد کارشناس شیلات و معلم مدرسه، هاشم شعبانی نژاد دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اهواز و دبیر ادبیات عرب، هادی راشد کارشناس ارشد شیمی کاربردی و آموزگار، جابر آلبوشوکه سرباز وظیفه و برادرش مختار آلبوشوکه، کارگر سنگ تراشی هستند. خانواده های محکومان به مرگ در بیدادگاه اسلامی به قاضی گفتند که همه ی آنان زیر شکنجه به اعتراف افتاده اند. اعتراف گیری زیر شکنجه از نظر قوانین بین المللی برای صورحکم آن هم حکم مرگ فاقد هر گونه ارزش قضائی ست، اما در جمهوری اسلامی پلیس سیاسی و قضائی اسلامی به این قوانین واقعی نمی نهند و انسان ها را با شکنجه های بدنی و روحی به اعتراف وامی دارند تا بتوانند حکم مرگ آنان را توجیه نمایند.

دستگاه قضائی جمهوری اسلامی بار دیگر پنج فعال سیاسی را به اعدام محکوم کرده است. این در حالی ست که بر خلاف ادعای رژیم، هیچ سندی مبنی بر اقدامات خشونت آمیز آنان علیه جمهوری اسلامی وجود ندارد و آنان مرتکب قتل یا اقدامی از این نوع نشدند. جمهوری اسلامی از بدو پیدایش خود با دستگیری، حبس، شکنجه کشتار و اعدام به مطالبات ملی برخی از ملیت های ساکن ایران پاسخ داده است و همگان می دانند که این اقدامات از همان روز نخست

استقرار جمهوری اسلامی آغاز شدند. تیمسار مدنی که عضو جبهه ی ملی و استان دار خوزستان بود با همان خشونت در خرداد ۱۳۵۸ به این مطالبات برخورد کرد که دولت محمد خاتمی در فروردین ۱۳۸۴ به اعتراضات مردم در اهواز و ماهشهر و چند شهر دیگر خوزستان پاسخ داد و منجر به کشتار ده ها نفر شد. در سال های اخیر نیز در بر همان پاشنه می چرخد. دیده بان حقوق بشر حدود یک سال پیش اعلام نمود که از ماه مه ۲۰۱۱ تا ژوئن ۲۰۱۲ دست کم یازده عرب تبار ایرانی و یک نوجوان ۱۶ ساله در زندان کارون به اتهام ارتباط با گروه های مسلح که به نیروهای امنیتی حمله کردند، اعدام شدند. فعالان حقوق بشر نیز به دیده بان گفتند که در همان بازه، شش نفر دیگر زیر شکنجه در زندان های جمهوری اسلامی در سراسر خوزستان جان باختند.

مطالبات ملی در ایران، چه در خوزستان، چه در کردستان یا بلوچستان مطالبات واقعی و موجود هستند. هر چند برخی از گروه ها یا کسانی که این مطالبات را مطرح می کنند از سوی دیگر بام افتاده اند و قضیه را به چندین سده ی پیش از این می کشانند و به تغییر و تحولات توجهی نمی کنند، اما یک رشته مطالبات برحق اند و باید پاسخ بگیرند. همان گونه که رژیم پیشین در ایران نه می خواست و نه می توانست به این مطالبات پاسخ دهد، تجربه ی بیش از سه دهه جمهوری اسلامی نیز نشان می دهد که این رژیم نیز همانگونه عمل می کند و وحشگری را بیش از گذشته کرده است.

پاسخ به مسئله ی ملی با عطف به این واقعیت اجتماعی میسر است که ملل و ملی گرایی مفاهیمی هستند که با پیدایش دول مدرن مطرح شدند و نمی توان با کشیدن مصنوعی عقربه ی ساعت به صدها سال پیش پاسخی برای آن ها یافت. هیچ چیزی برای یک ملت پوچ تر از آن نخواهد بود که ملی گرایی را بر راس تمام آرمان های خود قرار دهد. امروز مسئله ملی نیابستی در برابر مسائل بزرگ مبارزات اجتماعی قرار بگیرد. گرایش هایی که خود را حافظ سنت های کهن می دانند کمکی به تحقق مطالبات ملی نمی کنند و ظرفیت فراوانی دارند که خود به ارتجاعی در برابر ارتجاع حاکم تبدیل گردند.

بورژوازی ملت را وسیله ای قرار داده است تا از طریق آن مردم یک کشور را به صورتی مصنوعی در یک چهاردیواری به نام مرز محصور کرده و از منافع طبقه ای خاص و در اقلیت که امروز در تمام کشورهای جهان طبقه ی سرمایه دار است دفاع کند. دولت ها با این ترفند می خواهند فقط سلطه گری خود را نشان دهند و شیره ی جان کارگران و زحمتکشان را بمکنند. ملیت های ساکن ایران نیز فقط می توانند در اتحاد با طبقه کارگر و در چارچوب اتحادی داوطلبانه به مطالبات خود دست یابند و از این مخمصه نجات یابند.

هیئت نمایندگی دولت جمهوری اسلامی به ریاست سعید جلیلی، دبیر شورای امنیت ملی این رژیم برای دومین بار پیایی به آلماتی در قزاقستان رفت تا با نمایندگان پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به علاوه آلمان بر سر پرونده اتمی خود چانه زنی بکند و مذاکرات بی پایان را پیگیری نماید. ریاست گروه ۱ + ۵ بر عهده ی کاترین اشتون بود که خود نماینده ی عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی ست. دور تازه مذاکرات جمهوری اسلامی و ۱ + ۵ در آلماتی روزهای ۱۶ و ۱۷ فروردین ۱۳۹۲ در حالی انجام شد که کمی بیش از یک ماه پیش از آن، روزهای ۸ و ۹ اسفند ۱۳۹۱، دو طرف در همین شهر نشست داشتند و طبق معمول بدون نتیجه ی ملموسی یکدیگر را ترک کرده بودند. اگر در دور پیشین آنان بی دلیل خاصی از مذاکرات ابراز رضایت کرده بودند، این بار رضایت از مذاکرات کمابیش یک جانبه و از سوی جمهوری اسلامی بود.

هر چند مذاکرات اتمی جمهوری اسلامی با ۱ + ۵ پشت درهای بسته و در چارچوب دیپلماسی سری صورت می گیرند و به همین جهت به مردم و افراد مستقل از دولت ها اجازه داده نمی شود تا با آگاهی از ریز و مفاد مذاکرات نظر مستدلی داشته باشند، اما ادامه دار بودن آن ها در بیش از ده سال گذشته و بدتر شدن روابط دو طرف نشان می دهد که این مذاکرات در مجموع نتیجه بخش نبوده اند و گویا قرار است یک عامل درونی که می تواند پیشرونده و مثبت یا عامل خارجی فاجعه بار و زیان آور، مسئله ی اتمی و کل اختلافات طرفین را حل کند. قیام مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و سرنگونی آن می تواند یک رشته از مسائل و از جمله مسئله ی اتمی را به شرطی که خود مردم بر سرنوشتشان حاکم شوند حل و فصل کند. عامل بیرونی دیگر که برای مردم فاجعه بار خواهد بود، می تواند دخالت نظامی امپریالیستی یا یورش نظامی یک دولت جنگ طلب مانند اسرائیل باشد.

با برخی از گفته ها و رویدادهای پیش از نشست آلماتی ۲ می شد پیش بینی کرد که مذاکرات جمهوری اسلامی و ۱ + ۵ بی نتیجه پایان می یابد. دستگاه های تبلیغاتی ۱ + ۵ پیش از نشست مدام بر این نکته انگشت می گذاشتند که توانسته اند با تحریم های خود اقتصاد ایران را فلج نمایند و میلیاردها دلار از منافع اقتصادی آن بکاهند. برخی از رسانه های جمهوری اسلامی نیز چنین اعلام می کردند که اتفاقاً با این تحریم ها دولت های اروپایی و آمریکا دست خود را از بازارهای ایران کوتاه نموده اند. این رسانه ها در غلو تا آن جا پیش رفتند که بگویند علت بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا همین است! نکته ی مشترک در تبلیغات هر دو طرف به هر حال این است که آن ها هر اختلافی داشته باشند خود خوب می دانند که نظم های اقتصادی اشان جزئی لاینجزا از یکدیگرند و هر دو به هم نیازمندند. اما در حال حاضر اختلافات سیاست خارجی و مسئله اتمی دست بالا را دارد و همین موضوع

## آلمانی ۲ و حکایت همچنان باقی ست...

است که اختلافات و تضادهای دو طرف را حد نموده است.

یک اتفاق دیگر که شکست مذاکرات آلمانی ۲ را نشان می‌داد موضع گیری آژانس بین المللی انرژی اتمی بود که سه روز پیش از آغاز مذاکرات، ایران را دوباره متهم به تلاش برای ساختن اسلحه اتمی نمود. یوکیو آمانو، مدیر کل این آژانس روز ۱۳ فروردین به خبرگزاری ها گفت که جمهوری اسلامی "احتمالاً" بمب اتمی می‌سازد. او در گفت و گویش با آسوشیپدپرس افزود که آژانس "مطمئن نیست" ولی اطلاعاتی دارد که نشان می‌دهد ایران فعالیت هایی در رابطه با اسلحه اتمی کرده است. وقتی که مسئول یک نهاد بین المللی با واژه های این چنینی یک عضو خود را زیر ضرب می‌گیرد، دلیل دیگری به جز اعمال فشار بر آن نمی‌توان جست و جو کرد.

گروه ۱ + ۵ شامل پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان است. هر چند ریاست این گروه بر عهده ی نماینده ی عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی ست، اما نفس حضور چین و روسیه در این گروه که فعلاً نفعی برای تضعیف بیش تر جمهوری اسلامی ندارند و حتا از آن حمایت نیز می‌کنند به این رژیم امکان می‌دهد که در مذاکرات هسته ای دست به یک رشته مانور و گاهی بلوف بزند، بدون آن که نگرانی جدی از بابت آن ها داشته باشد. قدرت های غربی در چارچوب مذاکرات هسته ای می‌خواهند تا آن جایی که می‌توانند از بلندپروازی های جمهوری اسلامی برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای تمام عیار جلوگیری نمایند و به همین خاطر در جهت تلاش برای عدم دستیابی اش به سلاح اتمی با ابزارهای مختلف و از جمله تحریم های اقتصادی به جمهوری اسلامی فشار می‌آورند. جمهوری اسلامی که اصلی ترین فن آوری های اتمی خود را در آغاز از خود این قدرت ها و به ویژه فرانسه گرفته است، خودش خوب می‌داند که حتا اگر روزی دو سه کلاهک هسته ای هم بسازد هرگز نخواهد توانست در برابر زرادخانه ی اتمی این قدرت ها و حتا قدرت اتمی خردی مانند اسرائیل یک روز مقاومت کند. اما این رژیم عجالناً قصدی برای حل و فصل مسائل مورد اختلاف ندارد و در نهایت می‌کوشد با توجه به وضعیت نابسامان و به شدت بحرانی خود چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی از همان قدرت ها در چارچوب مذاکرات هسته ای امتیازاتی را بگیرد و اوضاع خود را اندکی هم که شده بهبود بخشد.

آن چه از مذاکرات دو روزه ی آلمانی ۲ به بیرون درز کرد حاکی از آن بود که گروه ۱ + ۵ به جمهوری اسلامی پیشنهاد کرده است که غنی سازی اورانیوم را در فردو تعلیق نماید تا بتواند با این شرط اورانیوم ۲۰٪ غنی شده برای راکتور تحقیقاتی امیرآباد را در ایران نگاه دارد. گروه ۱ + ۵ به جمهوری اسلامی اعلام کرد که فقط در این صورت برخی از تحریم ها مانند تحریم طلا برداشته خواهد شد و شورای امنیت و اتحادیه ی اروپا برای تحریم های دیگر تصمیمی نخواهند گرفت. ظاهراً هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی از دادن پاسخ قاطع به این پیشنهادها که "بسته ی پیشنهادی جدید گروه ۱ + ۵" هم نامیده شد، سرباز زده است به طوری که مایکل مان، سخنگوی مسئول دیپلماسی اتحادیه اروپا گفت که از رویکرد ایران به پیشنهادهای گروه ۱ + ۵ دچار ابهام شده است. چندی پیش، خاویر سولانا، نماینده سابق اتحادیه اروپا در امور خارجی نیز یک چنین موضع گیری داشت. او گفته بود که سعید جلیلی فقط یک پیغام رسان است و فاقد اختیار برای پیشبرد جدی مذاکرات است.

همین که شکست مذاکرات آلمانی ۲ اعلام شد، یک رشته موضع گیری های کمابیش تهدید آمیز دیگر نیز آغاز گردید. جان کری، وزیر امور خارجی آمریکا بار دیگر اعلام کرد که فرصت مذاکرات هسته ای با ایران نامحدود نیست و دولت اسرائیل نیز با سوء استفاده از تهدیدات کره شمالی اعلام کرد که اگر به جمهوری اسلامی هم بیش از این فرصت داده شود مانند این کشور به یک تهدید جدی در منطقه و به ویژه برای اسرائیل تبدیل خواهد شد.

گفته شده است که کاترین اشتون و سعید جلیلی فرصت نکردند تا در مورد زمان و مکان دور بعدی مذاکرات گفت و گو و توافق نمایند. زمان و مکان دور بعدی زیاد اهمیتی ندارد، اتفاقاتی که در مدت کوتاه بعد از آلمانی ۲ افتاد به تنهایی نشان می‌دهد که مکان هر جا و زمان هر وقت باشد، نمی‌توان گشایشی بر بن بست پرونده ی اتمی جمهوری اسلامی تصور کرد. خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۲۰ فروردین ۱۳۹۲ اعلام کرد که یک کارخانه ی تولید کیک زرد با نام شهید رضایی نژاد که در اردکان یزد قرار دارد و دو معدن اورانیوم در کویر یزد به بهره برداری رسیده اند. یک روز پیش از آن اعلام شد که نمایندگان کنگره ی آمریکا در پی شکست مذاکرات آلمانی ۲ در پی آن هستند تا تحریم های اقتصادی را علیه ایران تشدید نمایند.

## خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

در تاریخ ۱۶ فروردین ماه سازمان ما اطلاعاتی ای تحت عنوان "برای آزادی کارگران دربند، متحدانه مبارزه کنیم" صادر کرد. در این اطلاعیه ضمن اشاره به وخامت اوضاع معیشتی کارگران و دستگیری تعدادی از فعالین کارگری در اسفندماه گذشته آمده است: "سال ۹۲ سال سرنوشت سازی برای طبقه کارگر ایران است. سالی که در عرصه سیاسی نوروزش با دستگیری تعدادی از فعالان کارگری در روزهای پایانی اسفند ماه گذشته، نو" شد و در عرصه اقتصادی نیز، با تعیین یک حداقل دستمزد بخور و نمیر، چشم انداز تھی تر شدن هر چه بیشتر سفره کارگران و زحمتکشان ایران رقم خورد".

در این اطلاعیه همچنین از دستگیری فعالین کارگری به عنوان موج جدید تشدید سرکوب در جامعه یاد شده و آمده است: فشار مضاعف بر زندانیان سیاسی، طولانی تر شدن زمان بی خبری و بلاتکلیفی دستگیرشدگان، یورش ماموران امنیتی جمهوری اسلامی به فعالین کارگری و دستگیری تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری از جمله غالب حسینی، خالد حسینی، بهزاد فرج الهی، وفا قادری، علی آزادی و حامد محمود نژاد در روزهای پایانی اسفندماه، نمونه هایی از موج جدید تهاجم و تشدید سرکوب در جامعه است. سرکوب و تهاجمی که بیش از دیگر نیروهای اجتماعی، طبقه کارگر و عناصر فعال کارگری را در برنامه عمل خود قرار داده است.

اطلاعیه در فرازی دیگر با اشاره به بی خبری از وضعیت کارگران بازداشت شده بر ضرورت تشدید مبارزه برای آزادی کارگران دستگیرشده تاکید کرده و می‌گوید: از دستگیری فعالین کارگری بیش از بیست روز گذشته است. طی این مدت و به رغم تجمعات اعتراضی خانواده های دستگیر شدگان اخیر در مقابل دادستانی و بیادگاه انقلاب سمنج، هنوز هیچ خبری از سرنوشت آنان نیست. برای رهائی بازداشت شدگان اخیر و تمام کارگران زندانی باید تلاش و مبارزه متحدانه ای را سازمان داد. مقابله مؤثر در برابر تهاجمات و تعرضات طبقه حاکم در عرصه های اقتصادی و سیاسی، مستلزم مبارزه متحدانه کارگران و زحمتکشان است.

در فرازهای پایانی این اطلاعیه نیز می‌خوانیم: سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن دفاع از مطالبات بر حق کارگران ایران، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و به طور اخص کارگران و فعالین کارگری دربند است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از تجمعات اعتراضی خانواده های دستگیر شدگان، خواهان گسترش اقدامات اعتراضی و تشدید مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران علیه رژیم سرکوبگر و ضد کارگری جمهوری اسلامی است.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید  
با یک اعتصاب عمومی سیاسی  
و قیام مسلحانه برانداخت**

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به یکی از آدرس‌های زیر ارسال نمایید.

آلمان  
K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

دانمارک  
I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

سوئیس  
Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

هلند  
Postbus 23135  
1100 DP  
Amsterdam Z.O  
Holland

کانادا  
K.Z  
P.O.BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7 Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.

شماره حساب:  
Gironummer 2492097  
نام صاحب حساب : Stichting ICDR  
IBAN:  
NL08INGB0002492097  
BIC: INGBNL2A  
Amsterdam, Holland

شماره فکس سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

<http://71.18.109.83/>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

شماره پیام‌گیر سازمان فدائیان (اقلیت):

در اروپا

0031(0)618622401

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR**

Organization Of Fedaian (Minority)  
No 643 April 2013

## یادداشت‌های سیاسی

### حکم اعدام پنج زندانی سیاسی عرب خوزستان و پیوند آن با مسئله ملی

هر چند جمهوری اسلامی در سکوی دوم کشورهای مجری اعدام قرار دارد، اما می‌توان این رژیم ضدبشری را برای اعدام زندانیان سیاسی، در سکوی نخست قرار داد. به علاوه در جمهوری اسلامی حکم اعدام به وحشیانه‌ترین و دردآورترین شکل یعنی عمدتاً از طریق حلق اویز اجرا می‌گردد و برخی از این احکام برای ایجاد ترس حداکثری در ملاء عام و در حضور کودکان خردسال اجرا می‌گردند.

اخیراً برخی از تشکلات دفاع از حقوق زندانیان و بشر و همچنین برخی از مقامات خارجی از جمهوری اسلامی خواسته‌اند که حکم اعدام پنج زندانی سیاسی عرب خوزستان را اجرا نکنند.

محمد علی عموری، هادی راشدی، هاشم شعبانی نژاد و دو برادر به نام‌های جابر و مختار

در صفحه ۱۰

گزارش تازه‌ی سازمان عفو بین‌الملل که روز ۲۰ فروردین ۱۳۹۲ منتشر شد حاکی از آن است که چین، ایران، عراق، عربستان سعودی و ایالات متحده‌ی آمریکا پنج کشوری هستند که به ترتیب مقام اول تا پنجم اجرای مجازات ضدانسانی اعدام را در سال ۲۰۱۲ میلادی داشته‌اند. بر اساس آمار این تشکل بین‌المللی دفاع از حقوق بشر که برای لغو مجازات اعدام هم مبارزه می‌کند، جمهوری اسلامی رسماً ۳۱۴ نفر را در سال ۲۰۱۲ اعدام کرده است. عفو بین‌الملل می‌گوید که اگر به این رقم تعداد اعدام‌های تأیید نشده را نیز بیافزاییم آن گاه تعداد اعدام شدگان ۲۵٪ بیش‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی برای حفظ جو رعب و وحشت در جامعه بیش از یک نفر را در روز اعدام می‌کند.



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

## تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

### آغاز پخش برنامه‌های تلویزیونی دکراسی شورایی

تلویزیون دکراسی شورایی از روز ۱۵ آبان (۵ نوامبر) پخش برنامه‌های خود را آغاز کرده است. تلویزیون دکراسی شورایی ادامه‌ی راه و مسیریست که پیش از این رادیو دکراسی شورایی آن را پیموده و مخاطبان رادیو با آن آشنا می‌باشند.

برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی از طریق کانال تلویزیونی اندیشه و به مدت ۴ ساعت در هفته پخش می‌شود که دو ساعت آن زنده و دو ساعت دیگر تکرار برنامه‌ها می‌باشد.

### ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی بدین‌قرار است:

**برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی دوشنبه و چهارشنبه هر هفته:**

ساعت ۳۰ : ۲۲ به وقت ایران

۲۰ به وقت اروپای مرکزی

۱۱ به وقت لس‌آنجلس

این برنامه‌ها به مدت یک‌ساعت از ماهواره هانت‌برد و تله‌استارت پخش می‌شود.

تکرار برنامه‌ها در روزهای ۴ شنبه و ۵ شنبه هر هفته ساعت دوازده‌ونیم ظهر به وقت ایران، ساعت ده صبح به وقت اروپای مرکزی و ساعت یک نیمه شب به وقت لس‌آنجلس خواهد بود.

اگر به تلویزیون ماهواره‌ای دسترسی ندارید، می‌توانید از طریق آدرس اینترنتی سایت اندیشه به‌طور زنده و هم‌زمان برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی را مشاهده کنید:

[www.andishehcom.com](http://www.andishehcom.com)

مشخصات ماهواره‌ای کانال تلویزیون اندیشه:

3/4 20000 :Horizontal Symbol Rate 12090:Frequency 25Galaxy :North America  
3/4 29900:Symbol Rate 10723 :Frequency ,8Hot Bird :Middle East ,Europe

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی